

# هفدهم شهریور، حماسه دلاوریهای خلق و نمایش زبونی ارتجاع

در تاریخ مبارزات خونین مردم قهرمان ایران، روز هفدهم شهریور یکی از آن صفحات سرخی است که هرگز زخاظر توده‌های مبارز - ما نمی‌خواهد. ۱۷ شهریور با دور - مبارزات قهرمانان و بیروز ماندن خلقی است که علیه ظلم و ستم و استبداد ایستادند و با

شماره خون خود چهره کشف ارتجاع پهلوی را آشکارا کردند. هفدهم شهریور نمایشی بود از شکوه قدرت بی‌کران توده‌ها و ورزشکشی کسانی که میخواهند دنیا سرکوب ارتجاع علی و وحشیانه مانع سقوط حکومت ضد انقلابی خود شوند.   
بقیه در صفحه ۱۳

## مقاله رفرم یا تغییرات اساسی؟

"تاریخ دورانه‌های انقلابی بدلیل اقدامات تسخندیده و عجولانه تا همه نمونه‌های فراوان، بسیار فراوان از زبان‌ها و مدمات سنگینی تحت بروحدت مبارزاتی، وحدتی که در پی تجرداً وری - نامتجانس‌ترین عناصر در کمیته‌های انقلابی بود. ولی بواسطه همین (عدم تجانس) تنها درگیریهای متقابل و پساس و نومیدی شدید را باعث گردید. ما میخواهیم از این درس تاریخ استفاده کنیم." (۱ - لنین - توافق مبارزاتی برای قیام) در دوران انقلابی حاضر نیز پیش از هر زمان دیگر "وحدت مبارزاتی" برای همه نیروهای انقلابی و مردم تسخندیده و آزادخواه همین مایه‌خواستی ضروری مبرم بدل گشته است و همه آرزو می‌کنند که نیروهای انقلابی متحد شده و جنبش انقلابی را در جهت سرنگونی رژیم پهلوی و چنانچه را حاکم بسیج و رهبری کنند. این خواست که از جانب‌ترین احساسات انقلابی ناشی میشود بی‌شک درخور - تقدیر است و ما نیز بنوبه خود بسیمار مایلیم که نیروهای انقلابی با درک این ضرورت حیاتی، گام‌های جدی در جهت وحدت رزمنده‌های جنبش انقلابی برداشته و امر بسیج توده‌ای، در جهت سرنگونی رژیم حاکم را که اینک به خواست قلبی اکثریت توده‌های زحمتکش و شرقی خواه میهنمان بدل گشته است متحقق سازند.   
بقیه در صفحه ۲

## هاشمی رفسنجانی: انقلاب کار و آمریکاست و سرکوب آن مبارزه با آمریکا!

هاشمی رفسنجانی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه روز ۳ مرداد خود میگوید "آمریکا از اول حساب کرد وقتی که انقلاب پیر و پند آگریا دتا ن با شریک طرح شیطنست آمیزی پا دگا نها را یک روز سر روی مردم - با ز کردند... از نظر بنده بعنوان یک ناظر مطلع و بعنوان کسی که سیاست روز را یک کمی می‌فهمد یک توطئه بود که رژیم پهلوی و آمریکا مشترکاً "ریختند..." این سخنان و قیاحتها این نماینده سرسپرده بورژوازی

را با بیدیه میان مردم برد، با بدکوشید این جملات به گوش همه برسد که "بنا به گفته هاشمی رفسنجانی تسخیر با دگانها توسط مردم نقشه آمریکا بوده است زیر اینها سخنانی است که حتی تا آگاهترین انسان را نیز به فکر و امیدارد. سخنانی که دچار عملی توده‌ها را زدن میکند. انقلاب توده‌ها را زنی میکنند و به نامی جانفشانی‌ها و مبارزات آنان خط بطلان میکشد.   
بقیه در صفحه ۱۰

- در این شماره**
- جنبش جهانی
  - پروتاریا و آزادیهای دمکراتیک
  - ارگان سازمانی و نقش آن
  - کودتای شیلی
  - تولید بمب نوترونی...

"نقش و اهمیت، اعتصابات  
اقتصادی و سیاسی  
طبقه کارگر"  
صفحه ۳

خمینی چه گفت؟  
خمینی چه کرد؟  
۷  
صفحه ۴

**شهردار نیک‌روش  
فرزند خلف نیک‌پس**

امسال "سال قانون" است، سال جنایت کشتار و اعدام، سال سرکوب، ضرور و خفتان سال و حبسگری‌های فاشیستی، سرکوبهای آریا مهری و کشتارهای هیئت‌رکونه، سال برقراری قانون "سرمایه رژیم امسال تحت لوای قانون از هیچ جنایت و کشتاری فروگذارد نکرد، رژیم جهت برقراری قانون سرمایه "دست به هر بی قانونی زد".   
بقیه در صفحه ۱۵



# رفرم یا تغییرات اساسی؟

بقیه از صفحه ۱

عصرتغییرهای برق آما، موحیات بدترین  
وابستگی فراهمگشت ۳ یا میتوان مبتدل  
- تراز این دربار و وابستگی سخن گفت .  
هیچگاه وابستگی فرهنگی وابستگی  
اقتصادی و سیاسی را بدینال نداشته است  
ونمیخواهد داشته باشد . فرهنگ یک جامعه  
بمعنای اخص کلمه انعکاس زیربنای  
اقتصادی جامعه در روینای فرهنگی است .  
وابستگی اقتصادی و سیاسی در روینای  
جامعه بصورت وابستگی فرهنگی تیسز  
با زتاب خواندنی است و تنها راه مبارزه  
برای تغییر انقلابی و بنیادین جامعه  
وقطع وابستگی اقتصادی و سیاسی است  
که فرهنگ انقلابی خلق میگرد و بنیاد  
عالمی روینای به نوبه خود در خدمت  
این دگرگونیهای انقلابی بکار گرفته  
میشود به بالعکس .

بیتنی از حذف قشرها و گروههای خاص  
امتیا زکه موجودیت خود را از وابستگی  
بدست میآورند سخن میگوید ولی بهر  
این قشرها و ... را مشخص نمیکند . آیا  
این قشرهای صاحب امتیا زمینداران  
بزرگ و سرمایه داران وابسته و نمایندگان  
آنهاست ؟ این قشرها نیروهای مدافع  
سیستم موجود یعنی سرمایه داری وابسته  
- اند ؟ اگر چه بنی صدارین اقشار را خوب  
می شناسد . اما منافع طبقاتی او اجازه  
نمیدهد که از آنها بصراحت نام ببرد . زیرا  
همچنانکه گفتیم او خواهان حفظ سیستم  
موجود با راهی اطلاعات در آنست .  
کتاب اقتصاد توحدی او هم که وی در -  
میشاق بدان اشاره میکند ، نه تنها  
هیچگاه از صورت یک اتوپیا بواقعیست  
تبدیل نخواهد شد ، بلکه چنانکه صورت  
واقعیست بخرد کند ، در عمل به بورژوازی  
خدمت خواهد کرد .

آقای می مدرکها بند خاکم را وابسته  
به آمریکا بخت آدمی کند ، چرا به نمایندگان  
بورژوازی بزرگ وابسته نظیر سلطنت  
طلسمان ، طرفداران بختیار ، مدنی و ...  
یا نمایندگان بورژوازی متوسط صنعتی  
اشاره نمی کند . مگر از نیروها در جهت  
سرقراری سلطه کامل امپریالیسم  
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا تلاش  
نمی کنند ، با تفاق این دسته از ضد -  
انقلابیون وابستگی شان به امپریالیسم  
مستقیم تر است و در جهت روی کار آوردن  
رژیمی کما ملان وابسته و دست نشاندگان تلاش  
می کنند .

با اعتقاد ما سرمایه داران وابسته ،  
زمینداران بزرگ و کلیه مرتجعین با یگانه  
داخلی امپریالیسم بشمار می آیند . ما  
برای این اعتقادیم که سرمایه های وابسته  
وزمین زمین داران بزرگ باید به نفع  
خلق صادره شود و با آنها پیگیرانه مبارزه  
شود . اما بنی صدار بورژوا ، نه سخنی از -  
سلط مالکیت از سرمایه داران وابسته  
وزمینداران بزرگ می کند و نه از لیسو  
کلیه قراردادهای اسارت با رینسا  
امپریالیستها و افشا آنها سخنی بمیان  
می آورد .

او حتی بمنظور مخدوش کردن وابستگی  
ودشمن اصلی خلقهای ایران وجهان  
یعنی امپریالیسم آمریکا ، امپریالیسم  
آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی  
را در یک ردیف قرار داده و تمسکات  
جماهیر شوروی سوسیالیستی را که دوست  
خلق ایران است ، دشمن قلمداد می کند .  
اوپا بکار بردن واژه قدرت غارچمی ،  
ما هیت قدرت را مشخص نمی کند ، اینک  
یک نیرو در خارج از مرزهای ملی ایران  
تبعیه در عصر ۴

خواستهای اساسی و برحق زحمتکشان  
ایران بنمایند . مطمئنا برای بسیاری  
از هموطنان ما که میشاق را مطالعه کرده  
کرده اند ، این مسئله جلب توجه کرده  
است که در سر اسرمیشاق آمده ای حتی  
یک مورد نیز به کارگران و دهقانان  
ایران اشاره نشده و از خواستهای برحق  
آنها سخنی بمیان نیامده است . اما در  
آنجائی هم که به خواستهای عمومی مردم  
اشاراتی شده است ، این اشارات سرشار  
از ابهام و عدم صراحت است . آیا این امر  
خود به بهترین وجه بیانگر برنا مه های  
رفرمیستی - لیبرالی آقای بنی صدر  
نیست ؟ برای بررسی ما هیت میشاق و  
و عده آنچه که بمردم داده شده است بهتر  
است که اساسی ترین مواد آنرا مورد  
بررسی قرار دهیم . اولین اصل میشاق  
به استقلال کشور اختصاص یافته و در این  
باره میگوید :

اصل اول که حکومت اسلامی باید بر آن  
استوار می شود ، اصل استقلال بود ، استقلال  
سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نتیجتا  
اجتماعی آن تغییر ساخت اجتماع عی جامعه  
در جهت حذف گروههای صاحب امتیا زکه  
موجودیت خود را از وابستگی بدست  
می آورند . " و در جای دیگر میگوید :  
" آن نیروهای سیاسی و گرایشهای حق  
دارند در این کوشش شرکت کنند که با تمام  
وجودیه استقلال یعنی نپذیرفتن سلطه  
هیچ قدرت خارجی در همه زمینه های  
سیاسی و اقتصادی و فرهنگی با برداشته  
باشند و در فعالیت سیاسی داخلی بهیچ  
روپای سیاستهای خارجی را بمیسان  
نکشند "

" ما و ما بنیست که وظیفه اصلی هر انسان  
معتقدی اینست که راه را بر سلطه دوباره  
و همه جانبه آمریکا و نفوذ قدرت خارجی  
دیگر ( روسیه ، اروپا ، چین ، ... ) ببندد  
آقای بنی صدار قضا یا را و از سبب

می بیند ، او تغییر ساخت اقتصادی و اجتماعی  
را نتیجتا استقلال سیاسی و اقتصادی -  
می داند ، حال آنکه بالعکس استقلال  
اقتصادی و سیاسی بمعنای دقیق کلمه  
بدون تغییر بنیادین ساخت اقتصادی -  
اجتماعی جامعه یعنی بدون برانداختن  
نظام سرمایه داری وابسته میسر نیست .  
آقای بنی صدار میخواهد نظام سرمایه داری  
را حفظ کند ، اما در همان حال وعده  
استقلال اقتصادی و سیاسی را میدهد .  
او مشخص نمی کند که این تغییر چگونه  
تغییر است ؟ چگونه در جهت حذف قشرها  
و گروههای صاحب امتیا زکه موجودیت  
خود را از وابستگی بدست می آورد " عمل  
خواهد شد ؟ این قشرها و گروهها کیستند ؟  
وابستگی آنها چگونه است ؟ سیاسی است ؟  
اقتصادی است ؟ فرهنگی است ؟

شاید منظور آقای بنی صدار وابستگی  
فرهنگی باشد چرا که خود میگوید :  
" بزرگترین انحراف انحراف فرهنگ  
است ، ممنوعیت که انقلاب را به پیروزی  
رساند و با انقلاب پیروز شد ، با حاکمیت  
بخت ، واپس گرا ، غش و بغایت غش از  
صحنه رانده شد به نام مبارزه با فرزدگی ،  
رگود و جمود فکری اصل قرار گرفت و در این

اما این خواست انقلابی و این ضرورت  
میرم و حیاتی هرگز نباید ما را بیه  
" اقدامات سنجیده و عجلوانه " در جهت  
" گردآوری نامتجانس ترین نیروها و  
احیاناً گذشت های غیر اصولی که تنها  
نتیجه آن سردرگمی ، ابهام " درگیریهای  
متقابل با هم و نومیدی شدید خواهد بود  
یکشانند . از این روما وظیفه خود دانستیم  
که در پس تحولات سیاسی اخیر و تشکیل  
اشتلاقی از معاهدین خلق و بنی صدر ،  
( بی آنکه کارنا به بنی صدر بهنگام  
ریاست جمهوری اش بررسی کنیم ) موضع  
خود را در قبال این اشتلاف روشن سازیم .  
اما بنی با هیت مسئله ، ضروری میدانیم  
که قبل از ارزیابی نقش و تا ثیر این  
اشتلاف بر روند مبارزه طبقاتی ، دورنمای  
آن و وظائف کمونیستها در قبال آن ، به  
بررسی ابلاغیه و متن میشاق بنی صدر  
پرداخته ، مضمون و ما هیت طبقاتی آنرا  
که با اعتقاد ما چیزی جز باره ای اصلاحات  
بورژوازی در چارچوب نظام موجود نیست  
نشان دهیم و با روشن کردن اهداف -  
پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک و مزیندی  
با ، اهداف بورژوا - رفرمیستی بنی صدر  
نشان دهیم که تنها پرولتاریا است که  
بهیچکس و بهیچ روشی و بهیچ روشی  
برای رهایی و دمکراسی ، نمیتواند انقلاب  
دمکراتیک را به پیروزی قطعی رسانده  
و خواستهای انقلابی - دمکراتیک بوده  
- ها را جامعه عمل بپوشاند .

در بیست و هشتم تیر ما ابلاغیه ای  
از سوی بنی صدر خطاب به مسعود رجوی  
صادر شده است . بنی صدر در این ابلاغیه  
بمعنای رئیس جمهور قانونی و منتخب  
مردم و وظایفی را بر دوش مسعود رجوی  
نهاده است که عبارتست از : " تشکیل  
شورای جبهه ای که شرکت کنندگان در آن  
به میشاق فیمه ابلاغیه ، اعتقاد استوار  
داشته باشند ، به عنوان شورای مقننه  
و ناظرونیز تشکیل هیاتی با تمویسب  
بنی صدر از راه جلب همکاری معتقدان  
دانای معنای به انگرکوشن عمومی خلق ،  
برای نجات کشور از ورطه تاریک که در آنست ،  
حکومت وحدت همه معتقدان به استقلال ،  
آزادی و جمهوری اسلامی . "

آنچه از متن ابلاغیه مستفاد میشود  
اینست که آقای بنی صدر برای کنار زدن  
نیروهای حاکم که " قانون اساسی را -  
بلا چراغته اند و برای پاسداری از  
انقلاب اسلامی این ملت و نظام قانونی  
آن " ، وظیفه تشکیل این ارگان را بر عهده  
مسعود رجوی نهاده است .

از همان آغاز روشن است که هدف به  
هیچ وجه بر انداختن نظام جمهوری اسلامی  
نیست . وظیفه ای که آقای بنی صدر بجای  
بخش انقلاب بر عهده گرفته است همانست  
حفظ اساس نظام جمهوری اسلامی و نظام  
قانونی آن " می باشد . او بدین منظور  
انجام مپاره ای اطلاعات در نظام موجود  
را بهیچشما نمی کند .

در سزا سر ابلاغیه و بنی بدین میشاق  
نمیشود چیزی یافت که حکایت از  
تغییرات اساسی در نظام موجود و تحسین

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

# نقش و اهمیت، اعتصابات اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر

بدنبال تعدیل تضادهای دینی هیئت حاکمه، با حذف کامل لیبرالها از قدرت سیاسی، حزب جمهوری اسلامی با طبقه کارگر مبارزانه برخورد کرد. دولتی و تشدید بی سابقه سیاست تروریستی و اختناق، دیکتاتور تروریستی و تروریستی و غیرایمانی را بر میهن مان حکمفرما کرده است.

حزب جمهوری اسلامی با اتخاذ چنین سیاستی در مدت است تا پس از حل بحران حکومتی، با سرکوب خونین و فخرآمیز جنبش توده‌ای و نیروهای انقلابی برحسب راز سیاسی موجود در جامعه فاش کرده و با به‌کارگیری قدرت خود را مستحکم سازد.

اعدا مها و دستگیریهایی دسته جمعی، خانه‌گردیهایی وسیع تا بدین حد گسترده در تاریخ مبارزات ایران کم سابقه بوده است. رژیم جمهوری اسلامی در این جنایات و کشتارهای خود، ابتدائی ترین حقوق و موازین انسانی را نیز زیر پا نهاده است. اعلامیه اخیر دستانهایی که هواها را و حتی آن افراد بیگانه نیروهای انقلابی بنحوی کمک نمایند یا غی، با غی... شناخته و محکوم به اعدام اعلام می کنند، بیباک و بی نظاط و وحشت رژیم از جنبش توده‌ای است.

تا شیراز مستقیم این سیاست، بی وجود آمدن جو وحشت و آزار در بین توده‌ها و بیروافت موقتی در جنبش توده‌ای است. جنبش کارگری نیز مستقیم به ستون اصلی جنبش توده‌ای از این تا شیراز برکنار نمانده است. بدنبال یورش‌های وحشیانه رژیم، حرکتی وسیع و گسترده کارگری و جنبش‌های فعال سیاسی در کارخانجات جای خود را به حرکتی، سکون و سکوت داد. هرچند در هفته‌های اخیر شاهد نمونه‌هایی از حرکت اعتراضی و مقاومت کارگران بودیم، اما این مبارزات محدود و پراکنده بوده و با سرکوب شدید از سوی رژیم مواجه شده است. البته همانطوریکه قبلاً نیز اشاره نمودیم، این افت، اکتی موقت در مبارزات کارگری است و این عقب نشینی موقت کارگران، مقدمه افت و رکود طولانی در مبارزات کارگری نمیباشد و بنا به مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مبارزات آشکارا کارگری جریان خواهد یافت و ما در آینده‌ای نشه چندان دور شاهد بروز و ظهور حرکتی وسیع کارگری و گسترش اعتراضات آنها خواهیم بود.

مسئله "بروز جنبش‌های وسیع کارگری در آینده اجتناب ناپذیر است و توده کارگران در روزهای بیوایی واقعی به جنبش کشیده خواهند شد و جنبش طبقاتی کارگران با گذار از یک رکود موقتی به پراگمندی جدید مطابق قوانین مستقل خود با گسترش و تعمیق در سطح و عمق رشد و تکامل خواهد یافت.

دیکتاتور تروری رژیم جمهوری اسلامی هر چند مستقیم با ملی ارتجاعی و سدکننده در رشد جنبش کارگری تا شیری گذارد، اما نمیتواند مانع تکامل آن گردد. اینسرا تجربیات جنبش‌های کارگری در سراسر جهان و ایران به ثبوت رسانده است.

در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ شاهد بودیم کسه چگونه با تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی و رشد نا رضایتی توده‌ها علیه رژیم حاکمیت دیکتاتور تروریستی و غیرایمانی رژیم

سلطنتی مبارزات توفنده توده‌ای جریان یافت و با وجود تمام جنایات و کشتارهای رژیم ایضا دو وسیع میلیونی بخود گرفت.

شکل حاکمیت بورژوازی وابسته و سلطه امپریالیسم که بصورت دیکتاتور ایمان و تروریستی سلطنتی بود، هرچند در شکل گسترش و تکامل جنبش توده‌ای و کارگری تا شیراز داشت ولی بهیچوجه قادر به جلوگیری از حرکتی کارگری و رشد و تکامل آن نبود.

در جنبش توده‌ای پیش از قیام اقتصاد خرد بورژوازی شهری فعالترین قشر اجتماعی در صحنه سیاسی بود و بدلیل شکل با شین بودن سطحی و تکامل طبقه کارگر و فقدان صف مستقل آن و رهبری خرد بورژوازی جنبش، حرکتی کارگری عمدتاً در بین جنبش توده‌ای جریان می یافت و هویت مستقل بخود نمیگرفت و در جنبش عمومی خرد بورژوازی حل گردیده بود.

ولی با اینهمه مبارزات وسیع کارگران و در رأس آن مبارزات قهرمانانه کارگران صنعت نفت، نقش برجسته و اولی در مبارزات عمومی خلق کسب کرد.

اعتصابات اقتصادی و سیاسی وسیع و گسترده کارگران در سراسر کشور، اعتصابات پیگیر و قهرمانانه کارگران صنعت نفت رژیم را با بحران سختی مواجه ساخت و بروی توده‌ها زده جوشی را در توده‌ها مردم تقویت کرد.

این مبارزات اهمیت و نقش مبارزات طبقه کارگر را در پیروزی مبارزات عمومی خلق، قدرت عظیم طبقه کارگر و نیروی حیات بخش آنرا بر همگان آشکار ساخت.

در این میان مبارزات کارگران صنعت نفت نقش و شایسته و استواری آنها در مبارزه جلوه‌ای بود از عزم و ولادیت و شایستگی طبقه کارگر در مبارزه بسزای رهائی همه ستمگنان و ملاحیت آن بسزای کسب رهبری در این مبارزه، کمیت‌های صنفی، اعتصاب شکل گرفت و رهبری مبارزات کارگران را بر عهده داشت و در اثنای قیام بهمن ماه به شورا‌های انقلابی کارگران تکامل یافت. این مبارزات بطور عینی نشان داد که چگونه حرکتی پراکنده به حرکت سرتا سری، اعتصابات اقتصادی به اعتصابات سیاسی و نظاهرات خیابانی تبدیل و با لاجرم در بلوغ موقعیت انقلابی به یک قیام مسلحانه بر اساس قانونمندیهای خاص خود تکامل مییابد.

شکل بحرانهای اجتماعی در شکل مبارزات توده‌ها تا شهرسازی دارد و با تغییراتی که در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی صف بندی نیروهای سیاسی و تناسبات عینی قوای طبقاتی پس از قیام موقوع میبوسته، اشکال رشد و گسترش و تکامل مبارزات کارگری را از ویژگی‌های خاصی برخوردار خواهد شد. تعیین تمامی این ویژگیها از پیش امری ناممکن است در پیرویه رشد خودسوی جنبش کارگری که بطور عینی گسترش مییابد، با یاد این اشکال را شناخته جمع بندی کرد و با این اشکال مبارزه آگاهی و تشکل بخشید.

بقول لنین "در این رابطه ما رکسیم در واقع از عمل توده‌ها می آموزد و فرستگها

ازین ادعا بدور است که بخواد اشکال مبارزه‌ای را که "علمای" خانه نشین در مغز خود پیروان شده اند به توده‌ها تحمیل کند و "ما رکسیم هیچگاه جنبش را بیگ شکل مشخص مبارزه محدود نمی کند. ما رکسیم به اشکال مختلف مبارزه معتقد است نشه بدین معنی که آنها را کشف می کند، بلکه تنها اشکال مبارزه طبقاتی انقلابی است که این حرکت جنبش بطور خود بخودی به وجود آمده اند. بصورت عام جمع بندی می کنند، آنها را متشکل می سازد و به آنها آگاهی می بخشد. ما رکسیم تمام فرمولهائی انتزاعی و نسخه‌های مکتبی را قاطعانه رد می کند و خواهی که مل به واقعیت مبارزه توده‌ای است (لنین جنگ پاریس) با بد شرایط عینی را در نظر گرفت و بر اساس بوند عینی گسترش مبارزه در جهت متکامل کردن و آگاهی بخشیدن به این مبارزات تلاش نمود. تشدید فقر و گرسنگی و رشد نا رضایتی کارگران، ادامه بحران اقتصادی و سیاسی و تا بسا مانی‌های موجود اجتماع، و غیر عم فشارهای شدید و جو تروری و اختناق حاکم توده کارگران را بسما رزه علیه وضع موجود خواهد کشاند. هم اکنون تا حدودی جو تروری و آزار و اذیت که کارگران را وادار به سکوت در برابر اجامات و تفیقات و حتی عدم شرکت در جهت‌ها می نمودن گشته است. و بتدریج بیشتر و بیشتر شکسته خواهد شد.

اعتصابات و اعتراضات پراکنده‌ای که با وجود جو تروری و آزار کثونی صورت میگیرد حاکی از نا رضایتی عمیق کارگران از وضع موجود است. زمینه‌های عینی گسترش اعتصابات اقتصادی و سیاسی در بین کارگران باطلت نا رضایتی عمیق آنان - که ملا "فرا هست.

بدون گسترش اعتصابات اقتصادی و سیاسی کارگران، بدون حرکت طبقه کارگر و حضور فعال آن در صحنه سیاسی، جنبش توده‌ای فاقد توان و انرژی لازم بوده و از نیروی محرکه اصلی خودی بهره خواهد ماند. بی توجهی به وضعیت عینی جنبش کارگری و عدم شناختن تکلیفاتی که ستودنا کارگران را بدرون جنبش کشاند و آنان را در صحنه سیاسی فعال نماید، ضربات جبران ناپذیری بر رشتو ریکا مسل جنبش انقلابی در میهن مان وارد خواهد آورد.

تقویت رادیکالیسم انقلابی در جنبش توده‌ای صرفاً "با طرح شعارها و خواسته‌های انقلابی میرنیت، هر چند طرح و ترویج و تبلیغ این شعارها برای بسجوده‌ها حول خواسته‌های انقلابی ضرورت حتمی دارد. با یاد آنچنان تا گتیکهائی اتحاد کرد که بتواند نیروهای اصلی جنبش را به حرکت در آورد. با بد حرکتی سراسر که کارگری را بسجود میبوند و داد و ستز سراسری طبقه کارگر را بوجود آورد. مسوان به امید اینکه توده کارگران در آینده‌ای نه چندان دور قیام خواهد کرد و به یک حرکت تاریخی می باقیده دست خواهد زد. از سازماندهی و متشکل کردن و آگاهی بخشی مبارزات کثونی آنان که بدو عینی و خود بخودی جریان می یابند بی توجهی کرد.

## رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

# فرم یا تغییرات اساسی؟

بقیه از صفحه ۲

قرارداد را در همانند کشورهای سوسیالیستی متحدین خلقهای زحمتکش ایران بشمار می‌آیند. بنی صدر میخواهد با این گفتار خود مرزا انقلاب و ضد انقلاب جهانی را مخدوش کند.

بند دوم میثاق به سه بخش آزادی - اختصاص یافته است. این بند خود از سه جزء تشکیل شده است. جزء اول به آزادی بیان اختصاص یافته و آقای بنی صدر آزادی بیان کامل و لغو سانسورها - پذیرفته است. در جزء دوم از "لغو گنجه عقیدتی" صحبت شده که در حقیقت چیز تازه ای نیست. زیرا که حتی در رژیم دیکتاتور شاه نیز صرف داشتن عقیده جرم محسوب نمی‌شد. و در جزء سوم آزادی فتوا و مخالفت با قانون و عقیده دولت پذیرفته می‌شود. روشن است که در زمینه آزادیها نیز بنی صدر بنا به اهمیت بورژوا - لیبرالی خود آزادی کامل برای خلق هراس دارد. او گرچه مدعی آزادیست اما در اسلایه و میثاق خود اساساً آزادی توده ها را نفی می‌کند. در این مسئله کمترین تردیدی نیست که قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی که بتصویب مجلس خبرگان گذاشی رسید و از جمله اصل ولایت فقیه و بسیاری دیگر از مواد آن ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای مردم را نفی کرده است. اولاً این قانون توسط مجلسی بتصویب رسید که بهیچوجه نه مبتنی بر رای مستقیم آزاد، برابری مخفی توده ها بود و نه بیانشگرانه آنها. در بندهای قانون اساسی حقوق کارگران و دهقانان، حقوق زنان، اقلیتهای مذهبی خلقهای تحت ستم و آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها نفی شده است. اصل ولایت فقیه نیز که یکی از اجزای اساسی قانون اساسی است، نفی کننده آزادی و اختیار توده ها است. اما بنی صدر اساساً قانون اساسی و ولایت فقیه را مورد سؤال قرار نمی‌دهد. او تنها در متنب میثاق با مواردی در باره محدود کردن قدرت و اختیارات فقیه اشاره می‌کند.

"حکومت اشخاص به صرف تعلق به یک قشر خاص ضرورت ندارد. بنا بر این خود ایشان بصراحت تمام اظهار کرده اند که وقتی به ایران بازگشت به قم خواهند رفت و بکار خویش مشغول خواهند شد و به نظارت اکتفا خواهند کرد."

"هرگونه ولایتی تنها از طریق آراء عمومی و اراده آزاد کشور قابل اعمال است و بنی حال آنکه اصل پنجم قانون اساسی در این باره می‌گوید:

"در زمان غیبت حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان... و در صورتیکه هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقیهای واجد شرایط و با لاطبق اول یکمده و هفتمده دار آن می‌گردد. و در اصل یکمده و هفتمده می‌گوید: هرگاه یکی از فقیهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته

شده باشد، همانگونه که در مورد مرجع عالیقدر رهبر انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی چنین شده است، این رهبر ولایت امر و همه مسئولیتهای ناشی از آنرا بر عهده دارد، در غیر این صورت خبرگان منتخب مردم در باره همه کسائی که صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند، بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یک مرجع دارای برجستگی خاص برای رهبری بیانشد و او بعنوان رهبر به مردم معرفی می‌شاید و اگر نه به پاینج مرجع و اجدر شرایط رهبری را بعنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می‌کنند" همانگونه که ملاحظه می‌کنید در قانون اساسی ولی امر در شرایط معینی میتواند جزاً را عمومی از طریق مجلس خبرگان نیز انتخاب - کرد و ولی آقای بنی صدر که خود را حافظ قانون اساسی می‌داند، طبعاً آترانفسی نمی‌کند. و با درجای دیگری می‌گوید: "وقتی در قلم گفتن نمی‌تواند رئیس جمهوری شود، این سخن او را به یادش آوردم -

پاسخ داد، در آنجا حکم مطمح است حرفهای زده ام، اما خود را ملزم به آنها نمی‌دانم (در مورد مجلس مؤسسان و در - حضوراً اعضای شورای انقلاب از جمله آقای مهندس بازرگان همین حرف را در مورد مجلس مؤسسان گفت. در اینجا نیز علیرغم اینکه ایشان تلویحاً در تبدیل مجلس مؤسسان به خبرگان که در حقیقت نقض حقوق دمکراتیک توده های مردم بود را از نظر اخلاقی و بطور ضمنی با اصل ولایت فقیه حداقل به آن صورتی که در قانون اساسی تصویب شده مخالفت مینماید. با این وجود خود را پاسدار نظام قانونی جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن معرفی می‌کند. اصل ولایت فقیه که اراده والی فقیه را مافوق اراده توده ها قرار داده ضرورتاً "بسه استبداد فقیه نیز می‌انجامد. مسئله بر سر این اصل ارتجاعی است و نه اینکه حاکمان کنونی این اصل را درست اجرا نمی‌کنند و یا قانون اساسی را بیلا اجرا کرده اند. اتفاقاً اگر نیک بیگریم در این مورد حاکمان کنونی نسبت به این اصل و اجرای آن و قادیان را زایشانند، بنی صدر که هنوز خود را رئیس جمهور و قانونی میدانند و این اقدام خود را نیز آزادی انتخاب را از مردم سلب کرده است و فیرا موش می‌کنند که اگر معیار آراء مردم در گذشته باشد، توده هائی که سه امروز از خمینی نفرت دارند، به سوال پیش او را میتوان یک رهبری قید و شرط قبول داشتند، تنها خواهان اطلاعاتی در قانون اساسی است که البته این اطلاعات نیز باید طبق نظر و میثاق ایشان صورت پذیرد. در اینجا است که بوضوح می‌بینیم بنی صدر علیرغم اینکه از انتخابات آزاد، رای عمومی توده ها و... صحبت می‌کند، اما در عمل برای توده ها حتی قائل نیست و تنها برای خودش چنین حق را قائل است، در حالیکه به اعتقاد ما که از موضع پرولتاریای انقلابی و توده های زحمتکش حرکت می‌کنیم، توده هائی که قادیان را خستن این رژیم را کرده اند، باید حاکم بر

سرنوشت خویش باشند. این توده های مردم هستند که باید آزادی تام و تمام تعیین کننده نوع حکومتی می‌خواهند و تحقق خواسته های دمکراتیک - انقلابی توده های مردم ممکن نیست مگر آنکه رژیم جمهوری اسلامی توسط توده ها سرنگون شود، یک دولت موقت انقلابی که برآمده از مبارزات توده ها و بیانشگرانه اراده آنها باشد، موقفاً "قدرت را در دست گیرد و با فراهم آوردن آزادی کامل تبلیغ و ترویج برای نیروهای شرکت کننده در مبارزه توده ها، زمینه گشایش مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی را فراهم آورد، مجلسی که متکی به دولت موقت انقلابی و شوراهای انقلابی و تسلیح توده است، مجلسی که توده ها از طریق انتخابات واقعاً آزادی را برای مستقیم آزاد، برابری مخفی نمایندگان خود را بر می‌گزینند و بیانشگرانه اراده توده های وسیع مردم و مجری خواسته های انقلابی آنهاست. ما کمونیستها بدلیل ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و قانون ارتجاعی اش که اشکارا با سلب حقوق توده های مردم همراه بود در رفراندوم قانون اساسی شرکت نکردیم. زیرا این زحمتکش را لکدمال کرده است. ما برای اعتقادیم که بدون دگرگونی بنیاسی و اساسی، منافع توده های زحمتکش تا مین نخواهد شد و تنها با تغییر بنیادی در جهت منافع زحمتکشان است که توده های زحمتکش از قید ستم و استثمرا رها شده، به آزادی واقعی دست خواهند یافت و سلطه امپریالیسم نیز بر خواها افتاد و ایسان داریم از آنجا که بر ما مه ما منطبق با منافع تاریخی و طبقه های تاریخی کارگران، دهقانان، خلقهای تحت ستم و همه اقشار خلق است، توده های مردم آرا خواهند پذیرفت، میثاق بنی صدر حتی در طرح و ارائه آزادیهای بورژوازی سخت با بیکیورتوا م با ایسام و دوپهلوکوشی است مثلاً بنی صدر فقط عقیده و مرام را جرم نمی‌شمارد و میداند که قانون سیاه رضاخانی هم آتراجرم نمی‌شناخت، اما موضع ایشان در مورد داشتن رویه چگونه است؟ آیا داشتن مرام بورژوازی را جرم تلقی نمی‌کنند؟ برای این سؤال اساسی یعنی پذیرش آزادی فعالیت سیاسی در میثاق پاسخ صریح و روشنی وجود ندارد.

و با آزادی فتوا و مخالفت با قانون و - عقیده دولت پذیرفته می‌شود، اما اینکه این مخالفت به چه شکل محازات با زهم سکوت می‌ماند. مخالفت با قانون حق احزاب، گروهها و افراد شناخته می‌شود، اما بشرطی که مانع اجرای آن نگردد. این شرطی است که مستواند که ملا علیبه توده ها بکار گرفته شود. بعنوان مثال با این حرف اعتصاب کارگران برای اعتراض و جلوگیری از اجرای فلان قانون ضد کارگری که به تصویب میرسد، حرم شناخته می‌شود و کارگران حق ندارند اعتصاب کنند. میثاق به آزادیهای دیگر از قبیل آزادی پوشش برای زن، مرد، آزادی تحصیل، آزادی فرهنگی اقوام و آزادی انجام فرآیندهای مذهبی برای - مذاهب مختلف و... اشاره می‌کند. اما به اساسی ترین آزادیها یعنی آزادی فعالیت سیاسی، آزادی مطبوعات، حق اعتصاب، حق تشکیل سندیکا و شوراهای حق تشکیل اجتماع، میسینگ، تظاهرات

بقیه در صفحه ۵

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

## فرم یا تغییرات اساسی؟

نصفه از صفحه ۲

... آزادی شکل و سازمانی، جنبشهای ایران در سنین آزادانه سرنوشته و ... یعنی بر دارد. در صیاق مذکور میباید جنبشهای جنبشهای ایران اشاره شود و چگونه در مورد انواع کونکوسی مجموعه ملی را تکمیل مینماید و سپس میموان است. در محدوده استقلال و سازمان و یکبارگی از صیق کشور است. همداستوار اجتناب بر سر وجود از کردید. و اداره امور ملی بر اساس بنیاد سوسیالیستی خودشان باشد. "همانگونه که مداسم مسئله ملی و حقوق دیکراسک جنبشهای تحت ستم ایران یکی از مسائل مهم انقلاب دمکراتیک ایران است: در چارچوب کشور ایران، جنبشهای کرد، ترک، ترکمن، بلوچ، عرب، فارس، زیدگی میکند و حقوق دمکراتیک و ملی جنبشهای تحت ستم ایران همواره با اعمال رژیمهای ارتجاعی بوده است. مسئله ملی بخصوص پس از سرنگونی رژیم دیکراسوری شاه سرخسکی خاصی پیدا نمود و جنبشهای مختلف ایران برای دستیابی به حقوق ملی و دیکراسک خوش مبارزه شخصی را آغاز کردند. انکار حقوق دمکراتیک جنبشهای ایران و سرکوب آنها از جانب رژیم جمهوری اسلامی صحرادرگرمیهای حادی کردند. هم اکنون حساسیتها و مستحکم کرد دلبران و مسلحانه در برابر رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی نموده و با بدای می کند. اما آجای بی مدرجی از دیکراسر ملیت های مختلف در ایران آباد دارد. و از افواوم کونکون تحت می کند که این در حقیقت عدم بدین و شایستی صریح ملیت های مختلف است. جنبش ذکر عبارتی میموان و راجع به مختلف تا بل نفسیبر "اداره امور ملی بر اساس بنیاد سوسیالیستی" میجوچه خواستگاری خواستهای برجسته جنبشهای تحت ستم ایران است. نتایج جنبش سرنوشته از جانب سنی صدر پذیرفته نمی شود، که البته می توانست پذیرفته شود، بلکه حتی خودمختاری او نیز کاملاً سرودم بریده، محدود و میموان است. در چارچوب ما معتقدیم حقوق دمکراتیک جنبشهای ایران با سرسخت شناختن حقوق تعیین سرنوشته برای جنبش (تا حق حدائی و تشکیل دولت مستقل) تا من خواهد شد. تنها بر این اساس زمینه برای اتحاد آزادانه و براداران جنبشهای ایران هموار خواهد شد و در شرایط مشخص کنونی، با توجه به مجموع شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه و وضعیت منطقه، خودمختاری کامل، تشکیل مجلس مؤسسان ملی و دیگر محاسن ملی مایند پیشینها ذکر شد، اما این در نهایت خود هر خلقی است که آزادانه باید تصمیم بگیرد. در زمینه شوراهای جنبشها معتقدیم که میبایست صدرنوشته شوراهای انقلابی باشد. بنا بر کار آمده و اعمال از داده شده ای باشد بلکه شوراهای مشورتی را می پذیرد. در حالیکه با اعتقاد ما شوراهای باید بنا بر کار آمده بوده و دارای قدرت و اعمال از داده شده و تصمیم گیرنده و مجری باشد، و الا سرنوشته از جانب جنبشهای جزوهای در دکنونی نخواهد بود.

یکی دیگر از مسائل مهم جامعه که در مشاق بنحودست و با شکسته ای بیان اشاره

شده است حقوق و آزادیهای زنان است بنی صدر می نویسد: "جامعه اسلامی رسیدن به بدین سنی وارد، مگر این که زنان شخصیت کامل خویش را از هر لحاظ بدست بیاورند. و حقوق سیاسی و اقتصادی متناسب با این شخصیت را پیدا کنند." با هم کلی گوئی و در بریده سخن گفتن. "حقوق سیاسی و اقتصادی متناسب با این شخصیت چه معنی دارد؟ ما شاهد بودیم چگونه رژیم دیکراسوری شاه بنام آزادی زنان زبان راه سد کشیدند و چگونه در جمهوری اسلامی بنام اسلام و رشد شخصیت زنان و حقوق سیاسی و اقتصادی آنها، متناسب با آن لایحه فماف را تصویب کردند. زنان را در انتخاب شدن و بسیاری حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی محروم ساختند. با اعتقاد ما زنان نه به حقوق اقتصادی و سیاسی متناسب با شخصیت زن بلکه حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی برابری مردان باید دست یابند. هرگونه تمایز بین زن و مرد در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... باید از بین برود و زنان باید مزد مساوی با مردان دریافت دارند. قوانین ارتجاعی نظیر لایحه ضد برتری قصاص بکلی ملغی گردد. زن در خانواده باید از حقوق برابری برخوردار شود. سرخوردار گردد. از این همه که گذریم به مسئله بسیار مهمی در مشاق بر میخوریم که به با رترین وجهی، ما هیت میباید در بنی صدر را افتاء می کند. ما گفتیم که در مشاق نه صحبتی از کارگران و دهقانان شده است و نه از خواستهای آنها سخن می میان آمده است. چگونه می توان حتی در یک برنا مه سرودم بریده، بر فرمیستی و بورژواشی از این نیروهای اصلی انقلاب و خواستهای آنها سخن میمان نی آورد، در حالی که ما اعتقاد ما کارگران کسبه بعنوان ستون اصلی انقلاب در این زمینه تا دیده گرفته شده اند، بیکبرترین و انقلابی ترین نیرو محسوب می شود. ما بر این اعتقادیم که قبل از هر چیز باید خواستهای دمکراتیک - انقلابی کارگران از قبیل حق اعتصاب، حق تشکیل شوراهای سندیکا، چهل ساعت کار و دوروز تعطیل در هفته، حق برخورداری از سطح زندگی انسانی، حق داشتن کار، حق برخورداری از مزد متناسب با هزینه زندگی، بیمه های درمانی، سیکاری از کار افسادگی، بازنشستگی، بیکمه تعطیل سالانه، تأمین ایمنی در کارخانه، مزد بالا و ساعات کار کم برای کارهای سخت حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، مسده معاش برای تحصیل فرزندان، حق استفاده از امکانات اجتماعی و رسانه های گروهی برای رشد فرهنگ و غیره ... تا میسر گردد.

دهقانان نیز که کمی از جمعیت ایران را تشکیل میدهند و با رنجهما و مشقات بسیاری دست بگریبانند و تحت انواع و اقسام ستم های اقتصادی سیاسی، اجتماعی و غیره میباشند خواهان اصلاحات ارضی و اقطاعی "دمکراتیک هستند در مشاق آقای بنی صدر محلی از اعراض ندارند. در حالیکه ما معتقدیم تحقیق شعارزمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند (چه از طریق گشت شورا ای نظیر ترکمن حرا، یا تقسیم زمین رسناران بزرگ بین دهقانان و سپس تعدد تقسیم زمینها و قائل شدن حقوق تصرف از طرف کمیته ها و شوراهای انقلابی دهقانان بسته به شرایط و اوضاع مشخص

مناطق مختلف، برخورداری از وامهای کم بهره، وسائل مدرن کشاورزی، نظیر تراکتور، کمباین، حفراجهای عمیق در مناطق کم آبکاتال کشی، احداث سد ها و غیره ...). تکنیکه دیون و بدهیهای آنها بدولت، برخورداری از حمایت دولت در مورد کسودبدر، داشتن امکانات پزشکی، بیمه رستنها، دارو، مدرسه و برخورداری از بیمه های درمانی اجتماعی که خواستهای واقعی و انقلابی دهقانان برای رهایی از شرایط محالیت با رکنونی و داشتن یک زندگی انسانی است، باید برای دهقانان تأمین گردد. با اعتقاد ما مشاق هدفش تحقق ایمن خواستهای انقلابی و دمکراتیک کارگران نیست و با آنها اشاره ای هم نگردیده است. حتی در مقامی یک برنا مه اصلاحات بورژوا - دمکراتیک، بسیار محدود و تنگ نظرانانه نگاشته شده است. یک برنا مه اصلاحات بورژوا - دمکراتیک حداقل - حداقل اصلاحات ارضی دمکراتیک را باید در برگیرد. بخصوص اینکه رشد جنبشهای دهقانان در میموان ما امروز با ن مرحله رسیده است که حتی "مجلس شورای اسلامی" و کامیابینه رژیم ارتجاعی حاکم نیز مجبور شده است به خواستهای دهقانان توجه کند. هر چند آنها اصلاحات بورژواکراتیک از طریق کمیسیونهای هفت نفره را (که در حقیقت نه اجرای اصلاحات محلی دمکراتیک بلکه بیشتر برای فریب دهقانان است) در دستور قرار داده اند و با لایحه در بیان لازم است اشاره ای نیز به برخورد سنی صدر نسبت به آنها لیکن کمبیا نگر چگونگی آزاد خواهی اوست بنام شیم، او در بند مربوط به آزادی، استعمار دینی، استالینیسم و فاشیسم را در یک ردیف قرار داده است، و میباید: "رویه ای که در استناد دینی، استالینیسم یا فاشیسم بکار رفته است و میروند در این جمهوری جرم تلقی می شود". در اینجا ما با این مسئله نمی بردیم که استالین کینست وجه خدمات گران آنها سنی در ساختمان سوسیالیسم در شوروی، کمک به جنبشهای انقلابی و رهاشی بخش در ستار جهان در مبارزه علیه فاشیسم هیتلری و شکست آن و آزادی اروپای شرقی و بخشهای آسیا، از تسلط امپریالیسم و سرمایه داری انجام داد، وجه کوششهای در خدمت به بشریت کرده است و با این مسئله نمی بردیم که میباید جیره خوار امپریالیسم چه حملات کینه توزانه ای علیه استالین کرده اند و برای لووت کردن خدمات وی او را در ردیف هیتلر جنتا بنگار قرار داده اند، و کینست همینقدر بگوئیم که دیکراسوری پرولتاریا در شوروی که استالین در زمان آن سرار داشت، در جهت ساختمان سوسیالیسم و رهاشی بشریت از ظلم و ستم و استعمار و تقویت و گسترش جنبش های انقلابی و علیه استعمار و وحشیانه توده های زحمتکش علیه فاشیسم و سرمایه داری مبارزه کرد. در یک ردیف قرار دادن استالین و هیتلر آنها نت به زحمتکشان سراسر جهان، آنها نت به کمونیستها و همه نیروهای انقلابیست که در صف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم و برای موهو گونه ستم و استعمار میروند. (که البته این برخورد هم مثل سایر مواضع ایشان برخاسته از ماهیت طبقاتی شان میباید)

اگر بیش از این خواسته با شیم مشاق

توجه، شکجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

# پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک (۵)

## مبارزات دموکراتیک کارگران

سرما به داری (و روابط وابستگی) را میگرد و بدینصورت دولت یعنی ارگان سرکوب طبقه سرما به دارا از زیر ضرب حملات توده ها خارج میسازد.

بناشبات این ارتباط تنگاتنگ و جدائی نا پذیره را بنحویت این عده ای - فشرده میزیرا که اپورتونیزم یا نفسی آن توده ها را به مسلخ سرما به داری میکشاند در میبختی دیگر نیز به این مساله باز خواهیم گشت.

وظیفه دمکراتیک پرولتاریا به معنی مبارزه در راه کسب آزادی سیاسی و دموکراسی کردن رژیم سیاسی و اجتماعی است. این وظیفه یعنی مبارزه برضد هرگونه سرکوب و یا یغما نمودن آزادیها، یعنی آنگاه که رژیم به اجتماع اعتراضی و یا تعصن کارگران میبختد و راهیها میباید یکا رگران را عملیه میکنند، آنگاه که بخش و فروش نشویات کارگری ممنوع میگردد، آنگاه که مفسوف نظا هرات کارگران به رگبار بسته می شود، کارگران مبارز را خرابی چودستگیر می شوند، آنگاه که افراد با طرقتاب، نشریه، پوستو اعتقادات و ایدئولوژی، شرکت در بحث و ... به جوخه های مرگ سپرده می شوند و خلاصه در هر کجا که آزادی سیاسی مورد بیورش قرار دارد، آنجا بدحول آن تبلیغ نمود و توده ها را به مبارزه فرا خواند. همچنین مبارزه - دمکراتیک یعنی مبارزه برضد هرگونه یغما یا یغما نمودن حقوق دمکراتیک، آنگاه که کارگران از کوچکترین حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار نیستند، آنگاه که تمام میسنگاه های تبلیغاتی در اختیار سرما به داری و عوام ملشان است، آنگاه که کارگران بر اثر فقر و بی چیزی قادر به تامین حداقل معیشت لازم برای خود و خانواده شان نیستند آنگاه که فرزندان کارگران در بدترین شرایط به تحصیل می پردازند، آنگاه که زمان زحمتکش درازای کاری برابر، مزدی کمتر دریافت می کنند و ... یا بد مبارزه را سازمان داد، یا بد تبلیغی همه جا نبه را پیرامون شما می این واقعات زوایا موره زندگی کارگران به پیش برد، یا پسند کارگران را به مبارزه جهت کسب آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک فرا خواند.

### ادامه دارد

راه تشریح، گسترش و تحکیم روابط سرما به داری و وابسته است. اختناق، سرکوب، - کشتار، یا یغما کردن آزادیهای سیاسی و لگدکوب کردن حقوق دمکراتیک خلق، ارتباط لاینفکی با حفظ منافع سرما به داری و زمینداران دارد. آیا کارگران ایران قادرند برضد قوا نشین ظالمانه سرما به داری، برضد استعمار و حشیا نسبه سرما به وابسته، برضد شرایط طاقت فرسای محیط کار، برضد ساعات زیاد کار و دستمزد کم، عدم وجود شرایط ایمنی، نبود سرویس و عدم وجود کوچکترین شرایط بهداشتی... مبارزه شما پیدا ما در مقابل لوله های مسلسل سرکوبگران قرار نگیرند. آیا در شرایطی که هر اجتماع ممنوع است، هر نظا هرات ممنوع است، هر تحصن و بحث و دست از کار رکنیدن ممنوع است و هر شکل از این مبارزات به وحشیا نه ترین شکلی به خور کشیده می شود "ارتباط لاینفک" مبارزه - سوسیالیستی "مبارزه دمکراتیک" یعنی چیست؟ بدینکتاب توری در جهت جلوگیری از رشد نیروهای مترقی، جلوگیری از آگاه شدن کارگران و زحمتکشان، جلوگیری از شکست توده های کارگران و همچنین در جهت سرکوب مبارزات خلق بگا ر گرفته میشود. و "ارتباط لاینفکی" با یغما زنی، حفظ و گسترش روابط وابستگی دارد. در نتیجه روشن است که مبارزه برضد طبقه سرما به داری (و درجوامع وابسته مبارزه بر علیه سلطه امپریالیسم) در ارتباط تنگاتنگ و جدائی نا پذیر با مبارزه دمکراتیک قرار دارد. هر شکل از برخورد که بر کم بها دادن و یا بی ارزش دانستن مبارزات دمکراتیک استوار - باشد، آگاهانه و یا نا آگاهانه در جهت خدمت به امپریالیسم قرار دارد. و عمیلا جلوی درک پرولتاریا را از ارتباطات تنگاتنگ موجود ما بین نظم حاکم با استثمار

لشین از دووجه مبارزه پرولتاریا - نام میبرد "مبارزه سوسیالیستی (مبارزه - برضد طبقه سرما به داری) یعنی مبارزه ایکه همش معروف به انهدا رژیم طبقاتی و ایچا جاعه سوسیالیستی است و مبارزه دمکراتیک (مبارزه برضد حکومت مطلقه، یعنی مبارزه ای که هم آن معروف بدست آوردن آزادی سیاسی در روسیه و دمکراسی کردن رژیم سیاسی و اجتماعی روسیه است)... (لشین، وظایف سوسیال دمکراتیکهای روسی) لشین با رهبا و با رهبا بر وجود ارتباط لاینفک بین این دووجه مبارزه و این دو فعالیت تاکید می نماید. بدین معنی که پیشبرد یکی از دووجه مبارزه بدون پیشبرد دیگری میسر نیست. زیرا که "مبارزه برضد طبقه سرما به داری" هیچگاه از "مبارزه برضد حکومت مطلقه"، از مبارزه برضد دیکتاتورهای عمال شد جهت حفظ منافع سرما به داری و سیستم سرماییه داری جدا نیست. پرولتاریا نمیتواند به مبارزه علیه سرما به داری بپردازد، برضد استعمار ظالمانه سرما به داری بر خیزد، بر علیه شرایط طاقت فرسای کار دست بسته اعتماد و اعتراض بزند بر علیه کسی دستمزد بر علیه عدم وجود شرایط انسانی در محیط کار نظا هرات کند و ... بدون آنکه برضد ارگان سرکوب این طبقه برضد دولت و رژیم حاکم، برضد محدودیت های سیاسی، عدم وجود حقوق اعتصاب، نظا هرات، اجتماعات، برضد قوانین سانسور و خفقان حاکم بر محیط مبارزه شما یابد. در حقیقت "ارتباط لاینفک" موجود بین مبارزه سوسیالیستی و دمکراتیک از "ارتباط لاینفک" موجود بین طبقه سرما به داری و ارگان اعمال سیاست و حاکمیت این طبقه بر میخیزد. مگر نه اینکه کشتار و سرکوب خفقان و اختناق، ترور و اعدام - اعمال شده توسط رژیم جمهوری اسلامی جهت حفظ منافع سرما به داری و زمینداران و در

# مقایسه ای از جنایات صهیونیستها در بیت المقدس و جنایات رژیم جمهوری اسلامی در ایران

ارتجاعی را نشان دهیم.

روزنامه جمهوری اسلامی در روز شنبه ۲۱ مرداد شمسی از جنایات صهیونیستها در بیت المقدس می دهد و می نویسد: صهیونیستها کرده و استخوانها را با کامیون به گورستان دیگری منتقل نمودند و به این جنایات اعتراض می کنند در حالی که رژیم جمهوری اسلامی درست همین عمل را در مورد انقلابیون ایران به اجرا در می آورد و نمونه آن سندیدست که در کار شماره ۱۲۱ به چاپ رسید و حاوی نامه مشول بهشت زهرا به داستان انقلاب! در مورد نیش قبر چند انقلابی و انتقال اجساد آنها به گورستان دیگر است و بدینال این نامه در تاریخ ۶/۴/۷۸ جمده این سندیدست سلطانی و افسر خارج شده و به گورستان دیگری منتقل شد. ما مجدداً این سند را با چاپ میرسانیم تا تشابه شیوه های رژیم دژ پلانه دور رژیم

### صهیونیست ها هم سنگ گورستان مسلمانان را ویران کردند

بیت المقدس، شهر مقدس مسلمانان، در روز شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۵۷ خورشیدی، صهیونیستها با بی ادبی و بی احترامی، اجساد شهدای انقلابی را از گورستان شهدای بیت المقدس برداشته و به گورستان دیگری منتقل نمودند. این جنایت خوار کننده، نشان دهنده بی ادبی و بی احترامی صهیونیستها نسبت به مسلمانان است. ما این جنایت را محکوم می کنیم و از شما می خواهیم که با ما در مبارزه با این جنایت خوار کننده همراه شوید.

### نگارگوینان و زحمتکشان؟

سرنوشت انقلاب در دست شماست!

نگارگوینان و زحمتکشان! شما هستید که باید این انقلاب را به پیش بردارید. شما هستید که باید این انقلاب را به پیش بردارید. شما هستید که باید این انقلاب را به پیش بردارید.



# خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟

# وعده عدم شرکت روحانیون در حاکمیت بوقراری حکومت آخوندی

خمینی همانگونه که در تمام می موارد ممکن وعده داد و نوداده را فریفت و سپس آخوندها در حکومت نیز در ابتدا نیات - واقعی خود را پنهان ساخت. خمینی همواره تا زمانی که قدرت را در کف خود ندانست نفس داشتن "علما"، روحانیون و ... را به زبان عامیانه آن آخوندها در حکومت را میگردید. باید دانست که این رساله نرسیده به حساب و نه از روی نا آگاهی، بلکه دقیقاً "بخاطر توجه به گوشه ای از ذهنیت توده ها بود."

خمینی میدانست که توده ها در وجه غالب خود - حتی در افکار متشوه مذهبی - آخوند و مذهب را از هم جدا میکنند. و حداقل اینست که آخوندها را صاحب کفایت و لیاقت برای بدست گیری امور مهم نمیدانند. با بدست آمدن که این شکل از تفکر خود دارای ریشه های تاریخی و فرهنگی است. توده ها در اثر صدها سال تجربه عملی حداقل احساس میکنند که آخوندها - و تمام آنها - که از راه دین و مذهب و خرافات همیشه خود را میگردانند - افرادی مفتخوارانند که نه از "عرق جبین" و "نیروی بازو" قدرت - اندیشه ای، بلکه از طریق خمس و ذکات و سایر با چاهی مذهبی و چپاول درآمدهای واقف و "ماکن متبرکه" و سایر شیوه های با در حقیقت

از سر کسبه کردن توده های متوهم زندگی استگنی خود را میگردانند. از سوی دیگر مردم ایران در تجارب تاریخی خیر خویش نقش ارتجاعی اقشار بالای روحانیت را با گوشت و پوست خود لمس کردند. آنان نه تنها چهره واقعی آخوندها در بیاری را شناختند، بلکه خیانت های افرادی چون شیخ فضل - الله نوری، آیت الله کاشانی و ... را نیز در عرصه مبارزات خود دیدند.

از این روست که توده ها و حتی بسیاری از افکار متوهم مذهبی نیز خط و مرز مشخصی بین مذهب و آخوند میکشند، هر چند به اولی با وردن اردوئی به دومی نظر خوش ندارند و حتی تا بای مسخره کردن و تنفر از آن نیز میروند (این ذهنیتی است که توده ها پیش از تجربه دیکتاتورنوی جمهوری اسلامی و خون ریزی های سفاکانه آخوندها می چون خلخال و قهیم و ... دادا شدند و گریه مرورد ذهنیت کنونی آنان بحتی دیگر بید کرد)

بهر و هر خمینی میدانست عریان کردن خوابی که برای توده ها دیده است و باز - گوگردن اینکه در جمهوری اسلامی آخوندها در رأس امور قرار خواهند گرفت اقتضای مستعدی را از زیر پرچم خا رج خواهد ساخت و از این رو بود که خمینی در پاسخ این سؤال که "در ایفای نقش شما از حکومت اسلامی چیست؟" آیا منظور اینست که رهبران مذهبی حکومت را اداره کنند؟" میگفت خیر منظور اینست نیست که رهبران مذهبی خود حکومت را اداره کنند لکن مردم را برای تعیین خواستهای اسلامی خود رهبری می کنند ( - ۵۷/۲۲ خیرگزاری و راه دیووتولویزیون فرانسه ) و یا در پاسخ این سؤال که "فکر می کنید که بعد از سقوط رژیم فعلی شما نقش در حکومت جدید به عهده گیری؟" و گفت "خیر نه میل و رغبت من نه سن من و نه موقعیت من اجازه چنین چیزی را نمیدهد" (خبرگزاری آسوشیته پرسس - ۵۷/۸/۱۶) خمینی هیچگاه قبل از بدست گیری قدرت ابتدائی خود را بزبان نمی برد و هیچگاه نمیگفت که "ا ما"

"پیشوا"، "رهبر" و خدا یگان رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود... و نمیگفت که کار بجائی خواهد رسید که چایلوسان رژیم سخن از "معصوم بودن" امام بزنند. خمینی قبل از قبضه قدرت ظهورا ما جدید "را ندانید" و نقش خود و سایر آخوندها در حکومت را تا حد مشورت و راهنمایی ذکر نمینمود و در جواب این سؤال که "پس از رفتن شاه در موقع برگشتن به ایران آیا خود شما رهبر جمهوری اسلامی خواهید بود" میگفت "من خود نمیخواهم حکومت را در دست بگیرم اما مردم را برای استیلاات حکومت هدایت خواهم کرد و شرایط آنرا به مردم اعلام میکنم" (مصاحبه با الزیارات تا رگود خیرنگارگار دین ۵۷/۸/۱۰) اما پس از - سرنگونی رژیم شاه، ورق برگشت. همانگونه که کلمه "مستضعفین" - به زبان و تناسر ما به اطلاق شد، همانگونه که خمینی حمایت و پیشبرد مناقع سرما به داران و زمینداران را پیشه کرد، همانگونه که با وکلا و مسکن و آزادی و قطع وابستگی به امپریالیسم جای خود را به گریستی و بیگاری، آوارگی و اختناق و خفقان و نزدیکی هر چه سریعتر به امپریالیسم داد، همانگونه که تمام وعده ها رنگ باخت، سخنان خمینی در رابطه با نقش "روحانیون" و از جمله خودش - در حاکمیت نیز - به فراموشی سپرده شد. (البته قابل ذکر است

که نقش خمینی گاملا "صوری بوده و پیش - برنده سیاستهای حزب جمهوری اسلامی محسوب می شود) رکن اساسی حکومت اسلامی بر "ولایت فقیه" یعنی دیکتاتورنوی فردی فقیه، یعنی تمرکز تمام قدرت و تصمیم گیری در دست فقیه، یعنی حق و نفوی فقیه در مورد تمام می شئون، گذارده شد و سلطه فقیه خمینی بود. خمینی که "وضعیت جسمی و سنی" اش به او اجازه ای پیش از "راهشانی" مردم را نمیداد بر مسند "ایستاد" نشست و جنگ بر تمام می قدرت انداخت. خمینی بیپناوشی شد که برخلاف میلش و بسندون اجازه اش طلوع خورشید نیز بسیار بد صورت گیرد. و از سوی دیگر آخوندها مقام ویژه ای بدست آوردند. خمینی در عین حرکت از - موضعی گاملا "طبقاً می" منافع منفی (کاستی) خود را نیز پاس میداد. از این رو "دا دگاه" ویژه روحانیت تشکیل شد. آخوندها - سا و آکی و جاسوس جدا کثیر خلق عمامه و لباس شدند (که مسلماً "پس از راه افتادن سا و اما و بیگاری سا و آکی ها مجدداً به لباس آخوندی مزین گشتند) و آخوندهای "بزه گار" نیز در جایی که دیگران اعدام شدند بیگناه جرات می چون شلاق و یا حدا کثر یکسال حبس محکوم گردیدند و بدین طریق موقعیت ویژه شان را به نامش نهادند. کار بها کاستی رسیده خمینی گفت "هیچ گروهی حسیق شداد معترض میممن شود و به روحانیون اها نت کند و در صورت تخلف دادگاه - انقلاب محل، موظف است او را تعقیب و مجازات کند" (فتاوی خمینی دره خرداد ۵۸) بیست ها و مقامهای مملکتی بتدریج به دست آخوندها افتاد. "مجلس خیرگان" و پس از آن مجلس شورایی اکثریتی قاطعاً در قبضه آخوندها بود و خمینی که میگفت "روحانیت نظارت بر اوضاع دارد، کارها دست کارشاهای غیر روحانی است. روحانیون نظارتی بر امور دارند که غلطکاری نشود، کودتا نشود، بیگوتی ظلم به مردم نشود... (سخنرانی ۵۸/۹/۱۰) دولتی را بی ریزی کرد که آهنگ بر سر هر

بیست و مقام آن آخوندها قرار دارند و - مستقیماً "سرکوب توده ها را به پیش میبرند. اما این تمام می کارا نبود. خمینی برای حفظ نظام سرما به داری، برای حفظ موقعیت خود "روحانیون" در رژیم، و برای دامن زدن به توهمات توده ها، به شکل تمام می آخوندهای ارتجاعی تاریخ نیز آب تطهیر ریخت و از آنرا "عقلانیون" جان برکف ساخت. خمینی مرتجعینی چون شیخ فضل الله نوری را جزوا بر اوشدهای مردم جازد، شهیدی که فریادهای انقلابی اش شرح حالت مردم کار بها جانی نبرد. مرتجعینی چون آیت الله کاشانی را که اسناد ضدیتش با نهضت ملی نفت و وابستگی در مقابل پیشرفت از ر مفاطع آخوندی و اسناد چایلوئی و یا بیوسی اش به درگاه شاه شیره خا صی و عام است، قهرمان اسلام و مردم قلمداد نمود. و در عوض شخصیت ملی و مترقی چون صدق را تنها بخاطر مقابله با "فکار ارتجاعی" کاشانی ضد مردم قلمداد نمود. خمینی تا آنجا پیش رفت که خود نیز در موضوع کاشانی فرار گرفت و به تاخیر ضمنی کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد پرداخت. و این کودتا را سیلی اسلام بر گوش صدق نا میده و دیگر زما نی که خمینی در چنین موضعی قرار گرفت به هیچوجه عیب ننمود که عوامل کودتاچی و همدستان شاه را - و از آن جمله چهره منفور و درباری چون فلسفی را بر سر کار رگدارد و در پشت تریبونهای نماز جمعه بعنوان - "یک فیلسوف شهیر" و "مبارز خشکی" بنا پذیر "جا بزند."

اما تمام می این عملگردهای خمینی تنها به تشدید تنفر توده ها از رژیم جمهوری اسلامی منجر نشد. احساس ناخوش - آیند توده ها و مخالفت آن با حکومت جمهوری اسلامی ریشه در تجارب تاریخی آنان داشت و نگاه به کاشانی عموماً و ملموس توام گشت به ذهنیتی ضد آخوندی در توده ها منجر شد. توده ها زمانی که عموماً جنایات و فحاشی های دژخیمان چون قهیم، خلخال، ما دیخواه، هادی عفاوی، گیلانی و ... را دیدند، توده ها زمانی که دیدند چگونه این جلادان دوست خود را تنها مرفق در خون بهترین جوانان خلق فسرو برده اند احساساتان به کینه ای عمیق بدل شد. در عین حال که رهگانه این ذهنیت در وجه طبقاتی خود عمل کند، به اشعار - کشیه خواهد شد. و منجر به هرز رفتن نیروهای مبارزاتی توده ها میگردد اما در - شرایط فعلی بدرستی شوک تیرا بین کینه خلق بر قلب رژیم نشانه رفته است و از این روست که میتوان آنرا گرایشی انقلابی ارزیابی کرد.

اما بهر و هر ما ست که در تبلیغ و ترویج خود بدرستی برای توده ها دلایل "حما بیست خمینی از آخوندها، نقش "روحانیت" در - شرایط فعلی و ارتباط منافع طبقاتی و خصوصیات کاستی را روشن نمائیم. باید بگوئیم که مساله تنها بر سر آخوند بودن یا نبودن نیست، بلکه مساله بر سر آخوندهای حامی سرما به، حامی مالکیت خصوصی، حامی منافع امپریالیسم است مساله بر سر آخوندهای یا ساد و ظلم و کشتار و اعدا م و ترو روحا می اختناق و سرکوب و خفقان است، مساله بر سر آخوندهای بی است که خون خلق را در ریشه میکشند و از منافع سرما به - داران و زمینداران حمایت می نما یند. مساله بر سر آخوندهای درباری است، مساله بر سر رژیم جمهوری اسلامی است.

## در مقابل اوجگیری نوین جنبش کارگری دولت هند سیاست سرکوب عریان رایش گرفته است!

در پی اطمینان بیشتر دولت هند، دولت هندیه منظور جلوگیری از گسترش دامنه این اعتراضات و نیز مقابله با بحران مشکلات اقتصادی، علاوه بر تشکیل نیروهای ویژه و گروههای ضربت ضد اعتصاب، با ریدیکالیزاسیون سیاست و وضعیت فوق العاده سال ۱۹۷۵ را کسبه به موجب آن به دولت حق ناده میشود. مدت عمده اعتصاب را ممنوع اعلام کند، بکار گرفت.

دولت هند که اکنون با موج اعتصابات در بخش های مختلف صنایع و خدمات چون صنعت نفت، راه آهن، بنادر و بانکها، روبروست و نیز از آنجا که از امکان گسترش دامنه این اعتصابها به بخشهای دیگر خصوصاً "میان کارگران سرقه بهراس" افتقاد است، جهت سرکوب جنبش توده ای و تا مین منافع سرمایه داران به شیوه های گوناگون متوسل شده است.

دولت از یک سو بنا به دستور رئیس جمهور کشور، عناصر پیشرو را تحت عنوان "تحریم و تحرک" کارگران به "اعتصاب غیر قانونی" به زندان محکوم میکند و از سوی دیگر جهت فریب و تحمیق توده ها، از کارفرمایان - میخواهد که از اخراج کارگران خودداری - کنند. دولت خانها پندیرا گاندی به کارگران "اطمینان" میدهد که ممنوعیت اعتصاب فقط برای شش ماه و تنها با خاطر رفع برخی مشکلات اقتصادی است و باقی ماندن و تداوم خدمات اساسی است. اما تجربه کارگران بانه نشان داده است که این شش ماه همیشه تمدید شده اند!

لکن هیچیک از این سیاستهای سرکوبگرانه و فریبکارانه نشواسته مانع حرکت یکپارچه توده های زحمتکش علییه سیاست ضد کارگری و ضد مردمی دولت هند گردد. بطوریکه هفته گذشته تظاهرات گسترده ای در مقابل دفتر پندیرا گاندی در اعتراض به منع اعتصاب صورت گرفت. این تظاهرات با یورش و تهاجم نیروهای سرکوبگر مواج گردید و بیش از یکصد نفر از

سیاستی که دولت هند در رویا روشی با گسترش جنبش توده ای و جنبش کارگری اعمال میکند در حقیقت بیان آشکار این واقعیت است که "دمکراسی" هند نیز گمراهی و سرکوب سرمایه به جهانی در مقابل سرمایه لیسم علم شده و روی آن تبلیغ میشود و سعی دارد با "پای" "دموکراسی غرب" گذارد همچون همتای غربی خود تا لسی و فریبکارانه بوده در مقابل رشد و تعمیق جنبش توده ای همه ظواهر "دمکراسی" را زیر پا گذاشته و به سرکوب عریان و خشن و استفاده از قوانین سیاه ضد کارگری - متوسل میشود. در عین حال دیده میشود که برای جلوگیری از رشد جنبش کارگری و مهار کردن آن "مسئله تسلیح کارگران" جانب امپریالیسم آمریکا را بهانه قرار داده و بیستاد دفاع از "ملت" سیاست دفاع از بورژوازی هند را به پیش می برد، سیاستی که در مقابل با منافع توده های زحمتکش قرار دارد که هر روز بیش از پیش مورد بهره کشی است و قرار میگیرند و با فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم می کنند.

## سرکوب جنبش کارگری در پاکستان روی دیگر سکه سیاست نظامیگری پاکستان در منطقه!

در هفته گذشته دولت نظامی پاکستان تشکیل و فعالیت سندیکا های کارگری را غیر قانونی اعلام کرد. و بدین ترتیب همراه با تصویب قوانین حکومت نظامی در کشور و خصوصاً "ممنوعیت اجتماع پیش از ۴ نفر، حمل سلاح و دادن شعار در "میرپور کشمیر" که در پی تظاهرات علیه افزایش قیمت ها صورت گرفت بر شدت سیاست سرکوب و اختناق علیه توده های زحمتکش افزود.

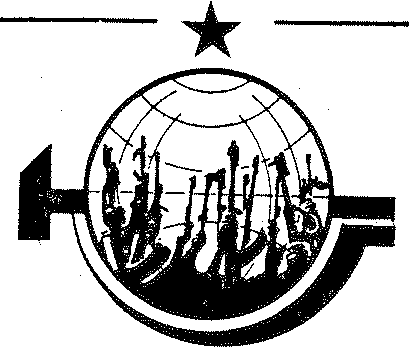
سیاست جلوگیری از هر نوع تشکیل کارگری و مخالفت از ایجاد نهاد های - توده ای و دمکراتیک از سوی دولت پاکستان این اقدامی دور از ذهن که بر عکس در ماهیت این رژیم ضد خلقی نظامی است. این سیاست از یک سو بنا نگرش و گسترش مبارزه طبقاتی است که رژیم پاکستان سعی دارد پیش از آنکه به مرحله خادای برسد و صف بندی نیروهای اجتماعی را کاملاً مشخص شود، با

ممانعت از هرگونه تشکیلی، این جنبش را سرکوب کند، از سوی دیگر نشانگر این سیاست واقعیت است که رژیم نظامی پاکستان در صدد است سیاست داخلی همگام با سیاست نظامیگری از خیرین در منطقه کسبه دقیقاً "در جهت منافع امپریالیست ها طرح ریزی شده، پیش برد.

پاکستان به لحاظ موقعیت استراتژیک، خصوصاً در شرایط بحرانی منطقه و در زمانی که منافع امپریالیست ها مورد تهدید جدی قرار گرفته، برای امپریالیست ها اهمیت خاصی برخوردار شده است. تا آنجا که دیگر پیمان دوجانبه سال ۱۹۵۹ آمریکا - پاکستان کافی نبوده و ضرورت پیمان - نظامی دوجانبه جدیدی که بتواند از منافع حیاتی امپریالیسم در منطقه دفاع کند، آشکار گردیده است.

## جنبش جهانی

کارگری - رهانی بخش



## تولید بمب نوترونی

## یکی دیگر از اقدامات جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا!

طی هفته گذشته در سراسر جهان تظاهرات و اعتراضات وسیعی از سوی نیروهای انقلابی و مترقی جهان به تشدید سیاستهای میلیتاریستی و ضد بشری امپریالیسم آمریکا، از جمله مسئله تولید بمب نوترونی صورت گرفت. زحمتکشان - سراسر جهان در تظاهرات و شعارهای خود نفرت و انزجار خویش را نسبت به تولید سلاحهای کشتار جمعی و سیاستهای میلیتاریستی امپریالیسم آمریکا بیان داشتند. این اعتراضات بویژه بیاناتی که روز افزون کارگران و زحمتکشان کشورهای - سرما به داری به ما هیت امپریالیسم و ارتباط لاینفک آن با میلیتاریسم است. امروز دیگر نوا نبوه زحمتکشان جهان - روشن شده است که میلیتاریسم، تولید سلاحهای کشتار جمعی، رقابت تسلیحاتی و دشمنی دول امپریالیستی با صلح و بشریت جزء لاینفک است. امپریالیسم محسوب میشود و بنحوتفکیک ناپذیری با حمله طفیلیگری و گنبدیگی نظام سرما به داری جهان نسی پیونددارد.

اصولاً میلیتاریسم در ذات نظام - سرما به داری نهفته است. همزمان با رشد و گسترش نظام سرما به داری میلیتاریسم بصورت پدیده ای موثر در جهت حفظ ستم طبقاتی و در واقعاً دنگا هداشتن توده های زحمتکش و تحت ستم در آمد، با ورود سرما به داری بحرمله امپریالیستی و رقابت دول امپریالیست در جهت کسب با زارهای جهانی بمنظور صدور سرما به و کالایا توجه به رشد نا موزون اقتصاد و سیاسی کشورهای امپریالیست میلیتاریسم با عبادت زاری بخود گرفت. بارزترین تجلی این امر رشد ماشین عظیم نظامی و افزایش سریع هزینه های نظامی دول امپریالیست از آغاز قرن اخیر و بروز جنگهای جهانی اول و دوم است.

در شرایط کنونی جهان نیز علیرغم تغییراتی که در سطح جهان بنبف نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست و برضای امپریالیسم، صورت گرفته است نه تنها - بقیه در صفحه ۱۲

## مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش

سوا سو جهان





# کودتای شبلی

# شکست دولت بورژوا - رفرمیست آئنده در همبستگی با ارتش ضد خلقی

پیروزی آئنده در انتخابات ۱۹۶۰ هم رویز یونیستها را در جهان، بخصوص حزب کمونیست شبلی را بوجد آورد. زیرا بزعم آنها تئوری گذار رسالت آمیز که بعد از کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی محور سیاست جهان است، تنها ما حزب برادر گردیده بود، در گوشه ای از جهان تحقق یافته بود! اما در حقیقت این تجربه و شکست دولت اتحاد خلق آئنده با رد یگر در تظاهرات رویز یونیستی شوروی گذار رسالت آمیز و حقیقت تئوری دولت از دیدگاه ما رکنیم - لنینیم را به اشیا رسانند.

کشور شبلی یکی از نادرتین کشورها می باشد. در این کشور است و تحت سلطه آمریکا تا قبل از کودتای آمریکا می باشد. بازمی بیند (۱۰ شهریور) ۱۹۶۲ از موزکرای نسبی برخوردار بود بطوریکه فعالیت - از حزب با و جمله حزب کمونیست طرفدار - شوروی در آن آزاد بود. این حزب تا قبل از کودتای آمریکا به ندرت دیده می شود. در انتخابات ۱۹۶۹ - این حزب ۲۲٪ رأی را بدست آورد. هم چنین حزب سوسیالیست ۲۴٪ رأی را بدست آورد. این ۱۵٪ رأی بینه در پارلمان داشتند. این سه حزب پایه های اصلی اتحاد خلق بودند که در پارلمان مجموعاً ۶۱٪ رأی را بدست آوردند. اما در مقابل نیروهای ارتجاعی، اکثریت کرسیهای پارلمان را در اختیار داشتند که پس از روی کار آمدن - آئنده، این نیروها بعنوان اپوزیسیون دولت آئنده با او در مخالفت در می آمدند. حزب دمکرات مسیحی و حزب ملی که عمدتاً در کنار هم بودند و کم و بیش سیاستهای پیروزی را انحصاراً برانداختند. هر چند این آراء کمتر از مجموع رأی بود که لازم است. با رمانی که داشت همچون بقیه نهاد های پیروزی چون ارتش و بوروکراسی داشتند. در صورتی که بود و اکثر طرفها و لویایح ملاحی دولت آئنده را زد می کرد و عمدتاً در تمام موارد در مقابل دولت قرار داشت.

دولت آمریکا و ابزار دستش سیاست همان ابتدای روی کار آمدن آئنده سیاست توافق نیروهای ارتجاعی و ارتش ضد خلقی داشتند. در مردم کودتا و سرنگونی دولت آئنده بود. اما اتحاد خلق در این مدت چه کرد؟ در تمام طول سالهای ۱۹۶۰-۱۹۶۲ اتحاد خلق هیچگاه در جهت بقیه کردن قدرت سیاسی و انحلال ارتش و تسلیم شده ها که بگانه راه تعمیم انقلاب بودگام برداشتند. در عوض با همان در کبک دست نخورده دولت بخصوص ارگان سرکوب آن ارتش سزایا - آمریکا می، تا آنجا پیش رفت که این پیروزی آئنده را، پیروزی سوسیالیسم در شرایط دولت شبلی نام نهادند. البته تا زمان کودتای نخستین آئنده موفق شده بود حدود ۹۰٪ شرکت و اکثریت آنها را از طریق خرید سهام ملی کند. هم چنین در طی همین دوره، دولت، حدود ۱۷۰ شرکت را ملی کرد و ۱۵۵ شرکت را زیر نظر ارت خود در آورد. با این ترتیب سهم دولت از درآمد ملی را از ۴۰ درصد به ۶۰ درصد رساند. هم چنین دولت توانست طی اولین سال فعالیت خود با توسعه بازار داخلی و واگذاری

اعتیارات کم بهره به سرمایه داران متوسط و کوچک، بیکاری را به نفع جمعیت فعلی تسهیل دهد و علاوه با افزایش چشمگیر دستمزدها در طی اولین سال زمانداری، سهم کارگران را از درآمد ملی از ۱۵ درصد به ۶۰ درصد افزایش داد. اما همین جا بگوئیم که هیچکدام از این اقدامات دولت آئنده - سوسیالیستی نبوده و از چهار چوب رفرمهای پیروزی فراتر نمی رود. اما سبب کمونیست شبلی همه این اقدامات را بنام سوسیالیسم بخورد طبقه کارگر میداند. اما آنچه همین رفرمها را هم برگشت پذیر کرد نبودن ارگانهای اقتدار مردمی برای حفظ و پیشبرد دستاوردهای این دوره بود. در عوض آنچه هر لحظه تهدیدی برای این دستاوردها محسوب می شد دست نخوردن دولت پیروزی و ارتش آمریکا می، آن بود که در تمام مدت فرصت مناسب بود تا به یکباره تمام این دستاوردها را بازنه بگیرد که بالاخره هم چنین کرد. نمونه های برخورد حزب کمونیست رویزیونیست و آئنده به ارتش خود بیباکتر ما هیت طبقه ای "اتحاد خلق" و بنیادهای مونی طبقه کارگر در قدرت بود که بنیادها معاً را بسوی سوسیالیسم هدایت نماید. ما در زیر بسا نقل قولها می از حزب کمونیست و آئنده در باره ارتش، این واقعیت را پرورشی نشان میدیم:

حزب کمونیست در ارگان خود ال - سیکل ۱۲۶ کتبر ۱۹۶۰ نوشت: "شبلی به نیروهای مسلح خویش اعتماد و اتکا دارد و دلیل کافی نیز در اشیا این عمل وجود دارد. نیروهای مسلح ما به شواهد و دلایل بسیار، تکلیف استقلال وطن و پاسدار - نظم و جریانی عادی زندگی ما در زیر قانون هستند. آنان بدون شرکت در همه سیاست کشور ما نمی توانند هیچ موسسات مردمی هستند. (تا کنون زمان است). در سپتامبر ۱۹۶۱ (یکسال بعد از آن) ال سیکل در سرمقاله خود نوشت: "به لطف دولت منتخب مردم و برنامه اتحاد خلق، نیروهای مسلح فرست آن را یافته اند که در مبارزات ملت در راه آئنده با او را در برابر تمام مردم شبلی و وطن، نقش مهم ایفا کرده اند."

نمونه این برخورد حزب کمونیست در موضع گیریهای آئنده نیز کاملاً مشهود بود. آئنده در سال ۱۹۶۱ گفت: "نیروهای مسلح ما مردم در این کشور را از نفوذ و من بعنوان فرمانده کل قوا از سوابق گذشته و خدمات حال و آئنده آنان به سر زمین پدری ما احساس غرور می کنم."

در متن قولهای فوق درک ما و راه - طبقه ای و خرده بورژوازی حزب کمونیست و آئنده از نیروهای مسلح کاملاً مشهود است. آئنده خرده بورژوازی بنا بر عملت طبقه ای که همین طبقه کارگر و طبقه سرمایه داران - نوسانت، دولت را ارگان آشتی طبقات می پندارد و سعی میکند منافع این دو طبقه را آشتی دهد و با سخنان کلی از زیر تحلیل مشخص فرزند و سوسیالیسم را مدافع منافع کل جامعه میزند و در نهایت - ما هیت پیروزی دولت را از چشم توده ها پنهان میکند. حزب کمونیست رویزیونیست شبلی هم بهمانند تمام پیروزیستها که ایده سازش

طبقه ای را تبلیغ میکنند در همین اساسی ترین نکته ما رکنیم - لنینیم یعنی ما هیت دولت تحریف میکنند و تبلیغ این پیروزی را با سبب پیروزی میمورد. از دیدگاه ما رکنیم - لنینیم دولت نه ارگان سازش طبقه ای، بلکه ارگان قهر طبقه ای است یعنی ارگان ستمگری یک طبقه بر طبقه دیگر است. بر اساس همین ایده کلی بود که ما رکن در ۱۸ پرومصر را حتی - اعلام کرد که تمام انقلابهای پیروزی با عت تکامل ارگانهای سرکوب شده اند و نشانه انقلابهای واقعا "خلق آئنده را داغ کردن این ارگان سرکوب دانست. رویزیونیستها این دستاورد تئوریک ما رکنیم را نیز مانند همه دستاوردهای دیگر از جوهر انقلابی تھی و آنرا قابل قبول برای پیروزی کرده اند.

بعد از کودتای ۱۹۶۲، حزب کمونیست شبلی مسئولیت شکست دولت اتحاد خلق را به گردن سازمان انقلابی میر، بعنوان جریان ما و راه چپ انداخت در حالیکه بنا بر گفته خود این حزب، میر جریان کوچکی بود.

میر (همین چپ انقلابی) که در سال - ۱۹۶۵ بنیادگذار شده بود طی دوران ۶۲-۱۹۶۵ توانست رشد وسیعی کند. میر در ارتباط با حکومت آئنده تا قبل از تشکیل کابینه نظامی سال ۱۹۶۲ (که در آن حزب سوسیالیست و حزب کمونیست و سران ارتش شرکت داشتند) سیاست حمایت مشروط را پیش گرفت. با این معنی که سیاستهای در خدمت منافع کارگران و زحمتکشان را تا حد وسیع است های انحرافی دولت را افشاء میکرد. این تا کنون میر با زتاب تحلیلی آن از بلوک چپ بود. میر تا کابینه نظامی این سیاست را داشت و با روی کار آمدن کابینه نظامی حمایت خود را از اتحاد خلق سلب کرد. اما در تمام این دوران بیشترین توان خود را صرف سازماندهی توده های زحمتکش حاشیه نشین شهرها و طبقه کارگر نمود و همواره هم میری از جریانی توده ای بود که توانست سازماندهی مقاومت توده ای را علیه کودتای نظامی پیش برده و هم چنان در شرایط کودتای فاشیستی، ارتباط خود را با توده های زحمتکش حفظ کرد.

ما برای اینکه علت سقوط حکومت آئنده را جمع بندی کرده ایم شیم مطلب را با مباحثه یکی از رهبران میرسیایان می رسانیم، اما در اینجا سوال دیرینک میردیگ ما حاشیه مطبوعاتی در سال ۱۹۶۴ ضمن انتقاد از سیاستهای خود در زمان آئنده چنین گفت: "طبق نظرمینا اتحاد خلق دقیقاً "بدین علت سقوط کرد که دولت - تمام آئنده از دولتی انقلابی نبود. آنچه درون اتحاد خلق غلبه داشت عبارت بود از سیاستهای رفرمیستی و اعتقاد دینه مکان - دستبازی به سوسیالیسم از طریق یک رشته اصلاحات در چارچوب دولت پیروزی و گرایش به سازش با دشمنان، تئوریک مورد امکان اشتلاف با اقتدار پیروزی (دمکرات مسیحی) و اعتقاد دینه به قانون پرستی و حرفه گراشی افراد نیروهای مسلح ارتجاعی در مقابل، اتحاد خلق با به قدرت خویش - یعنی حمایت توده ها از زحمتکش را از دست داد. رهبران رفرمیست بدنیا ل خواسته سازش با پیروزی سردار و پیشرفت توده ای شدند و با رشد قدرت سیاسی و نظامی خلق به مخالفت برخاستند. توهان قانون - پرستی را در میان توده ها اشته و آنان را گمراه و خلع سلاح کردند و بدین طریق شرایط پیروزی کودتا را فراهم کردند."

فایده باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا

# بخشنامه استناداری آذربایجان شرقی نشانه‌ها و حشمت رژیم از نیروهای انقلابی

اختیاراً "استاندارای آذربایجان شرقی اطلاعیه‌ای خطاب به کلیه ادارات و سازمانها از جمله آموزش و پرورش (مطابق سند زیر) از آنان خواسته است که از زور و دوا داران سازمانهای انقلابی به کلیه ادارات از تاریخ ۱۱/۴/۶۰ ممانعت بعمل آورند. در این سند آمده: چون گروههای سجا هدیه‌ساز چریکهای فدائی خلق اقلیت، بیگانه، دیکرات، کومله و... اعلام مخالفت و جنگ مسلحانه با دولت جمهوری اسلامی را نموده و در گوشه و کنار مملکت آشوب برپا میدارند و... لذا طرفداران و اعضاء این گروهکها و ضدانقلابیون حق اشتغال در سازمانها، ادارات و... را ندارند. گویا تاکنون انقلابیوی که در محیط کارشان شناخته شده بودند حق اشتغال را داشته‌اند و اینک سلب گردیده! و حال آنکه رژیم زهمان - فردای قیام خونین بهمین دست به تمفیه

های گسترده زده بود و هرگونه مخالفت و اعتراض را با اخراج و تصفیه پاسخ میداد و اکنون با گسترش سرکوبها، کشتارها، اعداها و... و درسا به جوانان و ارباب موجود سعی در ردیقای آنان را نیز تصفیه نمائید و با تشویق به جاسوسی نیروهای انقلابی را که با رعایت اصول مخفی کاری تاکنون مشمول تصفیه نشده‌اند، نداشتن خسته و اخراج کند. اما در قسمت پائین بخشنامه، مدیر کل آموزش و پرورش این استان، برای نشان دادن آستانبوسی و چاکری خود، چندرهنمودیدان افزوده و آن اینکست: "خواهشمنداست بطور غیر محسوس افراد مذکور را شناسایی و گزارش نمائید که این رهنمود نشان میدهد که ایشان با ساواک رژیم یعنی ساوا ما نیز همکاری صمیمانه ای دارد."

این سند را می‌توان به عنوان یک سند تاریخی در نظر گرفت که نشان‌دهنده سیاست‌های سرکوبانه رژیم است. این سند به وضوح نشان می‌دهد که رژیم چگونه با استفاده از روش‌های مختلف، از جمله تشویق به جاسوسی و اخراج، سعی در سرکوب نیروهای انقلابی دارد. این سند همچنین نشان می‌دهد که رژیم چگونه با استفاده از روش‌های مختلف، از جمله تشویق به جاسوسی و اخراج، سعی در سرکوب نیروهای انقلابی دارد.

## هائشمی رفسنجانی:

### انقلاب کار آمریکا است و سرکوب آن مبارزه با آمریکا!

بقیه از صفحه ۱  
رژیم دریلندگوهای دروغ و تزیین خود بسیار امیدمدار است. این گروههای آمریکا شای اند این سازمانها از آمریکا پول میگیرند و بسیار میگویند تا نیروهای انقلابی را مزدور آمریکا و در خط امپریالیسم قلمداد کنند. هر چند که کوششهای رژیم در این جهت آب در ها و ن کوبیدن است و سوسه‌ها بر روی رزبان رزبان آن نیز رو بگردانی روز افزون مردم از سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی است. اما بهر رو این تبلیغات بدون تاثیر نیست و بنا آگه‌ترین اقتدار جامعه را می‌فریبند. اما حماقت تاریخی سردمداران رژیم باعث میشود که خود را در هر موسم مهلک تبلیغاتشان را نیز تولید نمایند. سخنان ابلهانه هائشمی رفسنجانی این "ناظر مطلع" بورژوازی از این قماش یاد زهرهاست. هائشمی رفسنجانی "انقلاب قهرمانانه خلق را که منجر به تسخیر سر پا دگانها شد کار آمریکا میباشد. قیام پسر شکوه خلق را نقشه آمریکا میداند و در آن فاشی‌ها و مبارزات قهرمانانه مردم را که به سقوط کلانتربها و پادگانها انجام مید برنا می‌ریزی آمریکا اعلام میکند. اما توده‌ها بی‌کسی یکبار چه در قیام شرکت داشتند، توده‌هایی که می‌بینند قیامشان، قهر مسلحانه‌شان، پایداری و قهرمانانه‌شان، حملاتشان به پادگانها و کلانتربها زنده‌ها و صامی آنچه که رنگ و بوی انقلاب را با خود دارند آمریکا شسی قلمداد میشود. در میباید که رژیم، ضد انقلاب را بجای انقلاب و انقلاب را بجای ضد انقلاب نشانده است.

آن آمریکا با شکند مین سیاستها و کدامین حرکات در جهت توطئه‌ها و نقشه‌های آمریکا بوده است. آیا سیاستی که در اوچ کشتار خلق به دست ارتش آمریکا شای، در اوچ سرکوب توده‌ها میگفت "ارتش برادرمات" و "گل به جای گلوله" تحویل سرکوبگران خلق میداد سیاستی که حتی در زمانی که قیام خلق در خیا با آنها جریان داشت و توده‌ها که دیده بودند "رهبران" آنها را مسلح می‌کشند خود به تسلیح خود اقدام کرده و قهر مسلحانه خود را بر ضد ارگانهای سرکوبگر برقرار کرده بودند، در زمانی که خلق نیروی خود را به نمایش نهاده بود، در خیا با آنها زبلند گوهای تحمیق فریاد می‌کشیدند "اما - فرمان جها دنداد است، سیاستی که بر ضد شاه و ارتش آمریکا شای هیچگاه اعلام جها دنداد، اما بر ضد خلق کردی سخاوت طبع فتوای جها دنداد، سیاستی که اعلام کرد حمله به پادگانها خلاف شرع است و بدین ترتیب سعی کرد پادگانهای آمریکا را از سقوط بدست خلق نجات دهد، سیاستی که اعلام همبستگی دروغین ارتش را در لحظات سقوط مراکز سرکوب پذیرفت و ارگانی را که تا ساعتی قبل خلق را کشتار میکرد در پناه خود گرفت آیا این سیاست در خدمت آمریکا و در جهت نقشه‌ها و توطئه‌های آمریکا بوده است یا حمله توده‌ها به پادگانها و مسلح شدن خلق. سیاستی که درست در روز پس از قیام فرمان خلق سلاح نموده‌ها و نیروهای مترقی را داد و شوراها را در پناه دگانها متحل کرد اما در عوض ارتش را با زساری و فرما ندهانش را ابقا نمود، سیاستی که ارتش آمریکائی را که حفظ کرده بود به کشتار خلق برسد فرستاد تا اینجا بیشتر یابد، آیا این سیاست در خدمت آمریکا است و در جهت نقشه

های عمل می‌کنند یا مسلح شدن توده‌ها؟ سیاست کشتار روتور خلق و نیروهای انقلابی سیاست سرکوب تمام می‌مبارزات توده‌ها، سیاست با زساری ارتش با بقای قیام ندها، بکارگیری چمران‌ها، فره‌نی‌ها، ظهور نژادها و فلاحی‌ها و مدنی‌ها سیاست خفیان و سانسور، سیاست اعدا موتیربان نیروهای انقلابی، در خط آمریکا است یا مسلح شدن توده‌ها؟ خلاصه‌ای بیدید جز ب جمهوری اسلامی در جهت توطئه‌ها و نقشه‌های امپریالیسم گام بر میدارد و سیاستها پیش در خدمت آنست یا انقلاب توده‌ها؟ در اینجا است که دیگر نعره‌های آنان، تا شیر خود را از دست میدهد، نیروهای انقلابی را در خط آمریکا نامیدن مضحک بنظر میرسد و فریادها و فریاد امپریالیستی رژیم در نظر توده‌ها رنگ میبازد. مگر نه اینکه آمریکا در هر کجا سیاستها و نقشه‌های ضد خلقی خود را به پیش برد با ارتش‌ها، ارتش‌ها دست پروده خودیون، و در هر کجا با شکیست تا پذیرموا چه شد و مشت برپوزه‌هاش خورد بدست رود در رویی با خلقهای مسلح بوده است. مگر نه اینکه شکست مفتضانه امپریالیسم درویتنا م - تنها بدست خلقی مسلح صورت گرفت و کودتای آمریکا در شیلی تنها با ارتش برارتن، مگر نه اینکه تنها قدرت خلقی مسلح کوبا جلوی نجا وزات امپریالیسم آمریکا را سد نموده و مگر نه اینکه کشتار فاشیستی اندونزی با ارتش صورت گرفت، مگر نه اینکه...

با دید پرسید حافظ از ارتش و مصون نگه داشتن آن از تعرض خدمت به آمریکا و قرا ردا شدن در جهت نقشه‌هایی است یا حمله به پادگانها و تسلیح توده‌ها؟ کدام از این دو بیشتر به توطئه آمریکا شبیه است.

با دید پرسید آیا رژیم در جهت امپریالیسم و خدمت به آن حرکت میکند یا نیروهای انقلابی؟ این سئوالی است که توده‌ها با تشدید مبارزاتشان بر ضد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پاسخ تاریخی خود را به آن خواهند داد.

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

# ارگان "سازمانی و نقش آن" (۴)

## مبارزات خود و احوال ارگان سازمان - نشریه کار - سازمان دهمین

### ارگان سازمانی، مروج:

هما بگونه که گفتیم "ارگان" دارای سه نقش محوری است، تبلیغ، ترویج و سازماندهی. ترویج به معنای بیان ایده‌های متفکرات و گوناگون دربار هر مسئله مورد نظر و به معنای شکافتن علل شکل گیری و ایجاد هر پدیده و به معنای ارائه تشریح و تحلیل همه جانبه از پدیده مورد بررسی است. مثلاً "لنین" آنگاه که وظایف ترویجی سوسیال دموکراتهای روس را برمی‌شمارد - چنین می‌گوید "کار سوسیالیستی دموکراتهای روس عبارتست از ترویج آموزش‌های علمی اشنا به مفهوم صحیح دربار هر رژیم اجتمایی و اقتصاد می‌سازد و تکامل این رژیم و دربار هر طبقه‌های مختلف جامعه روس، دربار هر روابط متقابل این طبقات و دربار آنها با یکدیگر، دربار هر نقش طبقه کارگر در این مبارزه و روش آن نسبت به طبقات دیگر در حال سقوط و تکاملند و نسبت به گذشته و آینده سرمایه داری و دربار هر وظیفه تاریخی سوسیال دموکراتی بین المللی و طبقه کارگر - روسیه (وظایف سوسیال دموکراتهای روس - لنین) روشن است که ترویج می‌سازد سوسیالیستی و آموزش‌های علمی گسترده لنین از آن سخن می‌راند، ساخت اجتماعی،

وضعیت طبقاتی و مبارزه طبقاتی را بشکلی همه جانبه در بررسی گسترده بررسی علل مسائل اجتماعی و وظایف پروولتاریا و کمونیستها در مقابل آن و نقش ما در تغییر آن می‌سازد. مضافاً به آن، مسائلی که مسلماً "ایده‌های متفکرات و گوناگون" را در بر دارد و از قدرت درک توده‌های وسیع کارگران، حتی عده زیادی از کارگران متوسط خارج است و محدود و کوچکتری را در بر می‌گیرد - (کارگران پیشرو) یا آنگاه که لنین می‌گوید "ترویج ایده‌های دموکراتیک" سخن می‌راند که "سوسیالیستی" مفهوم حکومت مطلقه است تمام مورفها نسبت آن "مفهوم مضمون طبقاتی آن، لزوم سرنگون ساختن آن، و نیز این موضوع که مبارزه موفقیت آمیز در راه آرمان - کارگری بدون حصول آزادی سیاسی و - دموکراسی گردن رژیم سیاسی و اجتماعات روسیه غیر ممکن است را طرح می‌کند.

برای هر چه روشن تر شدن این مسئله دو مثال می‌آوریم. لنین در مورد کار مروج و تفکرات با عملکرد مبلغ چنین می‌گوید "مروج کارگر مثلاً همان مساله بیگاری را بر دارد تا بدین طریقی سازماندهی بیگاری را توضیح دهد و علت ناگزیری بیگاری آنها را در اجتماع کنونی نشان دهد. لزوم تبدیل جامعه را به جامعه سوسیالیستی شرح دهد و غمخیزان غلامه کلاماً و با بد "ایده‌ها" را متقاعد کند. بقدری متعدد که تمام این ایده‌ها را بطور یکجا تنها اشعار جزئی نیستند - کسی قرا خواهد گرفت. اما مبلغ وقتی در همان موضوع صحبت می‌کند بر چه تریب مثال می‌آورد - می‌گوید که همه شنونده‌ها نش بخوبی از آن - مسوق باشند مثلاً "از کسب - مسیران خا سواد کارگر بیگاری روز افزون شدن فقر و فاقه و مثال آنرا و تمام مسائل معین خود را متوجه آن می‌سازد که با استفاده از

این واقعیتی که بر همه و هر کس معلوم است بتوجه ما "یک ایده" یعنی ایده مهم بدون وجود تفکر و تدبیر و روش‌های روشنفکرانه را بدو می‌گویند که من تا خوشنودی و تفسیر از این پیدا کردی و احتیاط را در توده‌ها پیر انگیز دولتی توضیح کار مل عمل این تفکرات را به مروج‌ها گذار می‌کنند" (لنین چه با بد کرد) و با مقالات تبلیغی کار را با سری مقالات پروولتاریا و آزادی‌های دموکراتیک که از کارشماره ۱۲۱ آغاز شده مقابله کنید. در مقالات اولی، گشتارها، اعدا مهیسا، پیدا کردیم، با نور، احتیاط، پورش به سه نظرات و سرکوب مبارزات توده‌ها به سه عنوان ایده‌های مشخصی که توده‌های سیاسی با آن آشنا بودند ذکر شده و با ذکر این ایده‌ها بی "که بر همه و هر کس معلوم است، و هر مقلد محول یکی از آنها شکل گرفته، گوشه‌ای از ماهیت ضد خلقی و سرکوبگری رژیم و نقش اصلی آن در نابودی آزادی‌ها و دموکراتیک ذکر شده و سعی شده "حس ناخوشنودی و خشم را از این پیدا کردی" های خوشنود را بر توده‌ها برانگیزد. اما توضیح علل وجود دیکتاتوری و سرکوب، نقش آزادی‌های دموکراتیک در مبارزات پروولتاریا و ... به مقابله دوم و گذار شده است.

پس تراست قبل از ورود به بحث نقش ارگان در مورد ترویج و مبارزه دیگری را نیز گوشه‌ای ذکر کنیم. برخی از رفقا از وجود مقالات ترویجی، مقالاتی که به معنی حثت تئوریک می‌پردازد و از این دست مطالب در ارگان "می‌گویند" و به طرح این ایده (انحرافی) می‌پردازند که "نشریه روشنفکران شده است، کارگران از آن چیزی نمی‌فهمند" این رفقا در عین حال که شناخت صحیحی از قشر بیندیشی طبقه کارگر ندارند، از نقش ارگان نیز در درستی ندانند و لنین می‌گوید "چیزها می‌آید که میخواهد ارگان - کلیه سوسیال دموکراتهای روسیه بشود باید در سطح کارگران پیشرو باشد این روزها من نه تنها تنها بدین سطح خود را بطور سختگویی تصنیف می‌کنم، بلکه می‌توانم با بسط این سطح را بشود که می‌تواند با بسط تمامی مسائل تاکتیکی، سیاسی و تئوریک سوسیال دموکراسی جهان را تشکیل کند تنها در آن هنگام خواهد روشنفکران طبقه کارگر بر سر آورده خواهد شد و این روشنفکران را خود من جنبش را بدست خویش خواهم نگرفت" (لنین) گرایش قهقراشی در سوسیال دموکراسی روسیه - تاکنون از زمان است (و با درجای دیگر تاکنون می‌کنند) میخوام بهم بخصوص مخالفت خود را با این نظریه که می‌گویند یک روزنامه کارگری با بد تمام صفحات خود را کاملاً به موضوعاتی که قورا "مستقیم" با جنبش خود بخود طبقه کارگر مربوط است اختصاص دهد و هر چیزی که مربوط به تئوری سوسیالیسم علم، سیاست، مسائل سازمان حزب و غیره میشود را برای انتشاراتی که برای روشنفکران درمی‌آید کنار می‌گذارد. موکداً "پرا - داریم" (لنین) پیش نویس اطلاعیه "پرا و آریا" - کلیات جلد ۲) به پروولتاریا کارگران از تغییر کیفیت حال در نشریه کار در ماههای اخیر (تا آنجا که ما از آن -

اطلاعات را می‌بشکلی کامل این نظریات را تا شد می‌کند. و اینک نیز میتوان گفت با ضمیمه گشتن "نبرد خلق" به نشریه کار و نقش ارگان بعنوان مروج تقویت گشته و تنها حدودی با سخوی نیا زهای فکلی جنبش می‌باشد.

هما بگونه که در مورد نقش ارگان در رابطه با تبلیغ ذکر کردیم، بهیچ وجه نقش داشتن ارگان بعنوان مروج فکلی یا بر اشکال و شیوه‌های ترویج نیست. ترویج بعنوان یکی از اصول ایجاد انجمن‌ها تئوریک سیاسی و در نتیجه انجمن‌ها تئوریک در عین حال بعنوان یکی از اصولی ترین شیوه‌های ارائه اشاعه و پخش درسیاستهای سازمانی همواره به شیوه‌های گوناگون - صورت می‌پذیرد. جلسات سیاسی که در سطح سطوح مختلف تئوریک برگزار می‌شود، جزوات و نشریات درون سازمانی، جلسات و سخنرانی ترویجی که مدتها بصورت یکی از موثرترین شیوه‌های ترویجی برد وسیع آزادی کمیتته‌های مختلف سازمان بکار گرفته شد، نشریات و جزوات و نشریات ترویجی و ... همه اشکال متفاوتی از پیشبرد مروج است که بنا بر شرایط کار کمربها می‌سازد و وضعیت سازمانی که با چند مورد آن بکار گرفته می‌شود اما ارگان محور و شکل دهنده

تمامی این شیوه‌ها است. ارگان (که در اینجا نیز در خلق را نیز در بر می‌گیرد) محور ترویج سازمان است. با بد این مساله را در بیشتر بشکلی فهمیدیم اینکه ارگان محور ترویج سازمان است یعنی چه؟ این مساله بدان معناست که تمامی وجود دیگر ترویج، از جمله بهترین و عمده ترین آن یعنی جلسات سیاسی با بد حول موضوع ارگان به ترویج می‌پردازد. مطالبات تئوریک درون هسته‌ها و حوزها با بد حول مطالب ارگان شکل گیرد، مثلاً آنگاه که ارگان پیرامون مجلس مؤسسان مقابله می‌نماید و شما از آن سوی ما زمان طرح می‌گردد با بد تمام هسته‌ها محور مطالبات خود را بر این مطلب قرار دهند، با زمان که با تدهای سیاسی و شیوه برخورد به آنها عمده می‌گردد، زمان می‌سازد که مطالبات خود را بر این موضوع طرح می‌شود با زمان که آزادی‌های دموکراتیک مطرح است در تمام این عوار دنیا بسط مطالبات تئوریک هسته‌ها حول مطالب ارگان، سازمان با بد از سوی ما همواره سخن می‌گردد و این سخن نیز بر این مبنای است که در تمام موارد دیگر از مطالبات سیاسی - چند مورد - از کتب مورد نیاز را ارائه دهیم اما در غیر این صورت نیز همواره از - لابلای مطالب می‌شود، چنین نیستی را به دست آورد. در عین حال نیز رفقای مسئول موظفند در سرعت چنین نیستی را به تئیه و در اختیار هسته‌ها و حوزها قرار بدهند. هر چه دیگر بحثهای سیاسی و کلی - جلسات سیاسی سازمانی با بد حول ارگان سازمان با بد با بد همواره ارگان مهم ترین محور بحث جلسات سیاسی را به خود اختصاص دهد. با بد تمام می‌زوا با بد مطالب ارگان در جلسات شکافته شود، با آن بر وجه

بسیار در صفحه ۱۲

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

# سرکوب جنبش کارگری در پاکستان روی دیگر...

بقیه از صفحه ۸

امیریا لیسما آمریکا تصور میکنند که یک پاکستان "قوی" میتوانند موازنه قدرت در آسیای جنوبی را به نفع امیریا لیستهای آمریکا بی تغییر بدهد و این کشورها بگامی با شبکه منافع آمریکا را در مراکز نفتی خلیج فارس تا مین کند و کنترل امیریا لیستی را بر منطقه حاکم گردانند. بنابراین رکن اساسی کمپنهای نظامی آمریکا به پاکستان و افزایش ارسال تسلیحات تا بین کشورهای چارچوب این سیاست قرار دارد.

امیریا لیستهای آمریکا بی با کمک نظامی به پاکستان علاوه بر تحکیم موقعیت رژیم نظامی ضیاء الحق در برابر جنبش خلق خواستار آتند که از یکا هها نظامی پاکستان برای رسانی به نیرو - های واکتس سریع که در حال حاضر سه پاکها شای در جزایر دریای هندو چین، مصر و اروپا محدود میشود، و نیز پیشبرد سیاست های مداخله جویانه در خاور میانه و خاور دور و مقابله با "خطر نفوذ شوروی" در منطقه استفاده کنند.

علاوه بر این پاکستان نمیتوانند به منظور تضعیف و سرکوب جنبشهای انقلابی و مترقی منطقه، نیروی انسانی در اختیار نیروهای واکتس سریع قرار دهند و نقش مهمی در آموزش ارتش کشورهای مرتجع منطقه ایفا کنند.

در رابطه با چنین سیاستی است که در ماه گذشته کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، قطعنامه لغو محدودیت کمک به پاکستان را به تصویب رساند و در پی آن - ارسال تسلیحات تا بین کشورهای شکل نمی - آید. سابقه ای از سر گرفته شد. این سیاست تا آنجا پیش رفته است که از طرف آمریکا یک کمک نظامی ۳ میلیارد دلاری برای پیمانسال آینده برای پاکستان در نظر گرفته شده -

است. معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور کمک های امنیتی، اخیراً اظهار - داشت که سالانه ۴۰۰ میلیون دلار بصورت اعتبارات فروش تسلیحات نظامی ۲۰۰ - میلیون دلار نیز شکل کمک اقتصادی به پاکستان داده خواهد شد. در همین رابطه هفته گذشته مشاوران وزارت دفاع آمریکا گفت: " آمریکا سعی دارد در تحول جنگنده های اف - ۱۵ به پاکستان سرعت بخشد، بر - آمریکا نگران موقعیت اسرائیل در پاکستان است.

از سوی دیگر برای پیشبرد هر چه موثرتر این سیاست، مناسبات نوینی بین دولت نظامی پاکستان و دولت ارتجاعی عربستان سعودی به منظور پلیسی کردن منطقه و روی آوردن با حرکت های انقلابی، برقرار آمدن و این دولت اقدام به برده اخت کمپنهای به دولت پاکستان میکند، بطوریکه هزینه اکثر خریدهای نظامی پاکستان از آمریکا از سوی عربستان برداخت میشود. تاکنون ترتیب پیش بینی میشود که بیش از ۲ میلیارد دلار از ۵ میلیارد دلار طرح سرمایه گذاری - دولت عربستان در کشورهای خارجی به پاکستان اختصاص یابد. ضمناً "در استیضاحی بی مناسبت نمیدانیم که این نکته را ذکر دهیم که دولت جمهوری اسلامی اخیراً اقدامات فراوانی کرده تا با چنین دولت "مخالف" امیریا لیستی روابطش را هر چه بیشتر گسترش دهد!

هر چند امیریا لیستهای و دولتهای وابسته با آنها در منطقه سعی دارند با پیشبرد سیاست نظامیگری و هماهنگ کردن این سیاست با سیاست سرکوب داخلی، مانع گسترش جنبش انقلابی گردند و هر حرکتی را در منطقه خفیه تا زندلیکنی هها منظوریکه در مورد رژیم شاه که نقش ژاندارم منطقه را داشت، مشاهده کردیم بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه ورشد مبارزات طبقاتی، که اقتضا دوا بسته پیش از پیش با ندامت میزند، زمینه های را در یکا لیزه شدن جنبش خلق و قطعی شدن جامعه پاکستان را فراهم آورده و سبب می گردد که مبارزه طبقاتی در عرصه های نوینی جریان یافته و در آن صورت هیچ پیمان نظامی نمیتواند حکومت ارتجاعی و ضد خلقی پاکستان را از مرگ محتوم خود نجات دهد.

# تولید بمب نوترونی یکی دیگر از اقدامات...

بقیه از صفحه ۸

درهای از جنس استیل و فولاد را در دو سیم فلزات، سرب و سیم و سرب و سیم فلزات که ساخته شده است. بلکه همگام با رشد تکنیک روز افزون و طفیلی گری امیریا لیسم و شدید بحران عمومی نظام سرمایه داری بر دامنه مسلط امیریا لیسم، رقابت تسلیحاتی و سیاستهای جنگی امیریا لیسم - امیریا لیسم هم اکنون در دنیا سرمایه داری -

سالانه مبلغ عظیمی که حاصل دسترسج کارگران و زمینکنان این کشورهاست صرف هزینه های نظامی و تسلیحات مرکب از جمع می شود. در این میان امیریا لیسم آمریکا بدل به رزادخانه تسلیحات نظامی شده است و با رنما به این هزینه ها مستقیماً بر دوش زمینکنان این کشورها قرار دارد و این همناشی از تفکیک نابرابری امیریا لیسم و میلیتاریسم و نفاذ آن بنا بر منافع بوده و تأثیرات است. زیرا اولاً - امیریا لیسم که بقول لنین "بنا بر خواص اساسی اقتصادی خود، حداقل صلح دوستی و آزادخواهی و حداکثر ناکامی همه کارکنان دستگاه نظامی است" بمنظور حفظ نظام - منقطع و بوسیده سرمایه داری و سیستم طبقاتی مدام به سلب آزادیها، به سوی شیاست سرکوبگرانه و شدید میلیتاریسم روی می آورد تا تئیا نظام سرمایه داری - جهان - حقای از گسندگی، مزمز شدن سحر آنها

و تشدید تضادهای رسیده است که اقتصاد جامعه آنرا با "میلیتاریزه شده و تولید تسلیحات نقش روز افزونی در مجموع تولیدات صنعتی و پروسه های سرمایه داری ایفا می کند. این امر بنویسه خود به میلیتاریسم ایضا دیسپارگت کرده است.

ثالثاً "امیریا لیسم در شرایط کنونی جهان که خود را با از هم پاشیدگی و نابودی قطعی روبروی میدهد، در مقابل - انقلابیهای جهانی، کشورهای سوسیالیستی و جنبش های رها نشی بخش بسزیا ستهای میلیتاریستی، افزایش بودجه نظامی، تولید سلاحهای کشتار جمعی افزوده است.

امیریا لیسم آمریکا که امروز بعنوان مقتدرترین دولت امیریا لیستی در جنگل بحرانهای مزمن گرفتار است، بمنظور - حفظ سرکردگی خود در اردوگاه امیریا لیسم و تلاش مذکورانه در مقابل رتد و اعتلا جنبشهای انقلابی سراسر جهان و کشورهای سوسیالیستی و مشرقی از هیچ چنانی فرو گذار نمی کند، یک ماشین عظیم نظامی، همراه با پیچیده ترین و مخرب ترین سلاحها فراهم آورده است. مسئله تولید بمب نوترونی که مخرب ترین سلاح کشتار جمعی محسوب می شود، بیش از پیش برای تمام زمینکنان جهان ماهیت مداخله ای و ارتجاعی سرمایه لیسم جهانی و در این میان امیریا لیسم بنا بر کار آمریکا را نشان می دهد. اما با تاریخ پیوسته طی چند دهه اخیر متوجه طعم مسلمی تا نبوده است که علیرغم حمایت و حمایت امیریا لیسمها، و کشتار جمعی بوده های مردمی - سلاحهای مخرب، امیریا لیسم در سبب اربابوادی اجابت تا پذیرجات تا بسد و دور نیست روزی که کل نظام سرمایه داری جهانی، بر ضربات بی مان پیروانریایی انقلابی و زمینکنان سراسر جهان بگلسی - زحمه جهان چاروب گرد و سرمایه داری جهان این دشمنان بشریت، به همراه سلاحهای کشتار جمعی شان بگورستان تاریخ سپرده شود.

# ارگان سازمانی و نقش آن مبارزه خود را...

بقیه از صفحه ۹

شود و به بحث آنها ده شود. در این رابطه رفقای مسئول موظفند تا می رفقا را به بحث فعال حول مطالب ارگان، آموزش و ترویج و تبلیغ مطالب آن و همچنین طرح سوالات، پیشنهادات و انتقادات از سوی شما می هسته ها و حوزه ها فرا خوانند. (در این مورد با زهم سخن خواهیم گفت) ارگان نقش ترویج تا کتیکها، مصوبات و شعارهای سازمانی را بر دوش میکشد و از پیروست که با بد محصور ترویج سازمانی قرار گیرد. در این رابطه بر خود رفقای تشکیلاتی با نقش محوری ارگان در ترویج نقش حساسی را ایفا میکند. تمامی رفقا موظفند در حیطه مسئولیت و عملکرد خود فقط مطالب ارگان را محور قرار دهند و به ترویج ن بپردازند. با بد ترویج سازمانی حول مطالب ارگان شکل گیرد و تنها از این طریق است که میتوان مبارزه اندوژیک صحیح و اصولی را سازمان داد و تشکیلات را پیش از پیش انسجام بخشید. در اینجا مورد مختصری شرح میدهم، بهتر است ببینیم - حداقل در شرایط کنونی - رابطه مشخص موجود بین ترویج حول ارگان سازمان و ساختار لیزم مرکباتیک در مبارزه بدوژیک چیست؟

مسئله لیت هر رفیق ترویج مصوبات - نظریات مندرجه در ارگان در

تمامی محدود و وظایف خود است. مسلماً ترویج این مطالب در هسته ها و حوزه های بحثیهای متفاوتی را بر می انگیزد و انتقادات و پیشنهادات و با تا تأثیر رفقای تشکیلات را بدنیال خواهد داشت. هر رفیق موظف به جمع آوری و انتقال نظریات موجود در محدود و وظایف خود و انتقال آن به بالا تر است. روشن است که در این شرایط هر رفیق در هسته و یا حوزه ای که خود قرار - گرفته است نظریاتش را به بحث می نهد (که توسط رفیق مسئولش به بالاتر انتقال مییابد) در این شرایط از سویی وجهه دمکراتیسم در مبارزه بدوژیک خوبی پیدا خواهد کرد. از سویی ترویج نظریات مندرجات ارگان از سوی رفقای مسئول در هسته ها و حوزه های با قسی نمی ماند (که این عمل در صورت وقوع شکل لیبرال آنرا ریشستی مبارزه بدوژیک است و به هر چه مورج تشکیلاتی منجر میگردد) در عین حال نیز هر یک از اعضا و کارمندان سازمانی میبایست متوجه باشند در هر مورد - نظریات تدوین شده خود را برای ارائه به تمام تشکیلات به مرکزیت ارسال دارند (و این نیز وجه دیگری از دمکراتیسم را در این مورد به اجرا در می آورد).

نشانها کار رست اصول فوق و درک کامل نقش ارگان بعنوان مورجوسا زمان ندهنده ترویج سازمانی است که میتواند هر چه بیشتر به انسجام سیاسی، تئوریک و تشکیلاتی سازمان و شکل گیری مبارزه بدوژیک و خلق و ترویجی وسیع و همه جانبه ایجاد کند.

ادامه دارد



# هفدهم شهریور، حماسه دلگوشه‌های خلق و شایسته‌ترین ارتجاع

وتلاش درجهت تا مین هژمونی برجسته‌ش  
شرط ضروری به‌شمرانند مبارزات -  
توده‌هاست.

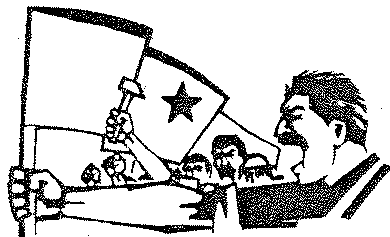
## هم‌میهنان مبارز!

امروز در شرایطی سومین سالگرد -  
حماسه قهرمانیهای خلق در هفدهم شهریور  
را گرامی میداریم که رژیم‌فدائینقلابی  
جمهوری اسلامی و در رأس آن خمینی با کنار  
گذاردن رقبای لیبرال خود از حاکمیت  
وقبضه‌کا مل قدرت توسط حزب ضد مردمی  
جمهوری اسلامی، سرکوب وسیع و گسترده جنبش  
مردمی را آغاز نموده‌است. در طرف چپ  
هفته‌گذشته صدها نفر از فرزندان انقلابی  
و مبارزان خلق توسط دژخیمان رژیم جمهوری  
اسلامی اعدام شده‌اند. هرروزه دهها تن از  
هواداران نیروهای انقلابی دستگیر  
و بستگان آنها مورد وحشیانه‌ترین شکنجه  
و آزار قرار میگیرند. کارگران آگاه و مبارز  
کارخانجات به جرم نمایندگی کارگران در  
شوراها و دفاع از منافع آنان از اخراج یا  
دستگیری و اعدام میشوند. مبارزات بر خلق  
خلق قهرمان کرده و وحشیانه‌ترین وجهی  
توسط پادشاهان سرمایه‌وارش ضد خلقی  
سرکوب میشوند. عناصر مترقی و انقلابی  
از ارتش، ادارات و مدارس اخراج میشوند...  
و در یک کلام ابتدائی‌ترین حقوق آزادی  
های مردم زحمتکش کشور را بی‌طرزی که در  
تاریخسی سابقه‌است توسط رژیم‌فدائینقلابی  
انقلابی جمهوری اسلامی پایمال میگردد.  
و این همه در شرایطی صورت میگیرد که فقر،  
بیکاری، گمراهی، آوارگی، بی‌خانمانی و  
... پیدا می‌کند.

اما همچنانکه کشتار وحشیانه رژیم  
جلادشاه برای مرعوب ساختن مردم و جلوگیری  
از رشد جنبش آنها و سقوط حکومت  
شکنین خود با شکست مواجه شد، اینبار نیز  
این اعدایا و دستگیریه‌ها نخواهد توانست  
مانع از سقوط رژیم جمهوری اسلامی شود. -  
همانطور که از فردای هفدهم شهریور مبارزات  
خلقهای قهرمان ما اوچتا زهای گرفتار  
مردم در پی فتند که قهرمان انقلابی را تنها  
با قهر انقلابی میتوان پایبنداد، اینها  
نیز مردم را نتاج مبارزه انقلابی خود رژیم  
فدائینقلابی جمهوری اسلامی را به گورستان  
تاریخ خواهد سپرد. اعدای انقلابی  
سرمداران و مزدوران رژیم حاکم ایرانست  
که اینبار رنجورهای مبارزان انقلابی  
نخواهند گذشت که مرتجعین به قدرت -  
خزیده مبارزات رهای خود مردم را مرعوب  
سازند.

خلق قهرمان ایران بار دیگر نشان  
خواهد داد که آنان که از تاریخ تجربه نمی-  
اندوزند و برخلاف مسیران و نیای زه‌های  
اساسی جامعه‌گام بر میدارند و برای ادامه  
حیات شکنین خود از هیچ جناحی فروگذار  
نمی‌کنند، با دستهای خود گورخویش را در  
دل تاریخ می‌کنند.

گرامی باد با دبا دخاله شهدای ۱۷ شهریور  
شهادی خلق  
پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی  
دمکراتیک مردم‌میهنان!



با ساداری از منافع تا زبه قدرت رسیدگان  
بود. بی‌جهت نیست که بلافاصله بعد از قیام  
شکوهمند بهمن ماه ارتش از جانب سر-  
مداران جدید "اسلامی" اعلامی شود و از هر  
گونه تعرض مصون می‌ماند و با تغییر مهره -  
های چند و گما ردن عناصر فدائینقلابی  
دیگری نظیر فلاحی‌ها و ظهیرنژادها بر رأس  
آن مجدداً "در خدمت سرکوب خلقها و قهرمان  
ایران بویژه خلق کرد و ترکمن قرار می  
گیرد.

تجربه ۱۷ شهریور آموخت تنها ارتشی  
که با انگاه به توده‌های زحمتکش نیروهای  
انقلابی و پرسنل انقلابی و مبارزان ارتش  
سازمان یا بد میتواند از منافع کارگران  
و زحمتکشان دفاع نماید. تنها تسلیح‌شده -  
ها و ایجاد نمیش همگانی است که می‌تواند  
از دستاوردهای قیام مردم در مقابل بی‌مورث  
ارتجاع وراثت نماید. به همین دلیل بود که  
شعرا و انقلابی‌ها ارتش و تشکیل ارتش خلق به  
درستی مطرح شد.

درس‌گرا نیهای دیگری که واقعه ۱۷ -  
شهریور آموخت اینست که رژیم‌های ضد مردمی  
و فدائینقلابی برای تثبیت و تحکیم موقعیت  
خود در برابر بر فید جنبش توده‌ای به سرکوب  
آشکار و نظامی متوسل میشوند. حکومت -  
ها نمی‌توانند در دفاع از منافع سرمایه -  
داران و برقراری امنیت برای آنهاست،  
کلیه آزادیها و حقوق دمکراتیک توده‌ها  
را پایمال میکنند. مبارزات مردم را

وحشیانه سرکوب میکنند. آزادیخواهان  
و انقلابیون را به بند می‌کنند، شکنجه می  
دهند، دسته‌دسته اعدام میکنند. نظام  
مسالمت‌آمیز مردم را بخون میکشد، نشریات  
مترقی را توقیف میکنند... و خلاصه هرندای  
حق طلبانه‌ای را در گلو خفه میکنند. اما  
وقتی که توده‌ها پایا خیزند هیچ سرکوب  
ارتجاعی و هیچ قدرتی نخواهد توانست مانع

از رشد جنبش و سقوط حکومت فدائینقلابی  
سرمایه‌داران گردد. هیچ قدرتی را با رای  
مقابل با اراده انقلابی توده‌ها نیست.  
حکومتی که متکی بر اراده توده‌ها و مدافع  
منافع آنان نباشد، محکوم به زوال است  
و هیچ ترمیم و ترمیمی نمی‌تواند آن را پایا  
برجا سازد.

۱۷ شهریور سرآغاز قیام خلق علییه  
رژیم شاه بود که خود به قیام بهمن ماه منجر  
شد، اما در شرایطی که بعثت ضعف تاریخی  
جنبش کمونیستی و فقدان صف مستقل  
طبقه کارگر، و در شرف یک انحراف تیسو  
انقلابی، رهبران سازشکار روخیا نتکار بر سر  
جنبش عظیم توده‌ای سوار شده و با سوء استفاده  
از احساسات مذهبی و ناآگاهی آنان به  
منافع طبقاتی شان، توده‌ها را بدنبال خود  
کشانند. نیروی انقلابی مردم مبارز به معنی  
تا بودی نظام موجود و ایجاد نظمی نوین،  
به کجراه کشانیده شد و سیستم سرمایه‌داری  
و وابسته از آن بودی حتمی نجات یافت و  
منافع آن رهبران خائن جنبش با  
پایمال ساختن دستاوردهای قیام به باز -  
سازی و ترمیم سیستم سرمایه‌داری وابسته  
پرداختند.

از این رو جدا ساختن صف اپوزیسیون  
انقلابی و تا با خرپه‌گیران اپوزیسیون -  
سازشکار و ناپسند

بقیه از صفحه ۱

در روز جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، بدنبال  
نظام‌های وسیع و گسترده سیزدهم و شانزدهم  
شهریور که موجب وحشت حکومت شاه شده بود،  
نظام‌های مسالمت‌آمیز مردم تهران در  
میدان شهدا توسط ارتش ضد خلقی آریسا  
مهری و بدستور شاه جلاد بطرز وحشیانه‌ای -  
سرکوب شد. ارتش با به گلوله بستن مردم  
بی دفاع، هزاران نفر از فرزندان قهرمان  
ایران را بخاک و خون کشید تا بخپال واهی  
خود جلوی مبارزات رشدیابنده توده‌ها را  
سد نماید.

رژیم دست نشانده شاه و آریابان -  
امپریالیستین که شاه را و جگری جنبش  
مردم بودند، کوشیدند از یک طرف با روی کار  
آوردن دولت شریف‌امامی و اجرای یک  
سلسله اصلاحات جزئی نظیر انحلال اتاق  
اصناف، وام به کشتاورزان، افزایش دست-  
مزدها، ... و سازش با برخی از عناصر  
متزلزل و سازشکار، جنبش را با انحراف -  
کشانند و از سوی دیگر با اعمال سرکوب  
خش و غریبان و اعلام حکومت نظامی مردم  
مبارز را مرعوب ساخته و از سقوط حتمی  
خود جلوگیری نمایند.

اما عزم را سخویا پیردی توده‌های  
مبارزان نشان داد که دیگر نه سرکوب  
نظامی می‌توانست مانع از گسترش  
مبارزاتشان شود و نه سازشکاری و طرح -  
شمارها و شیوه‌های فریبستی مبارزه از سوی  
احزاب و رهبران محافظه کار را در

انحراف کشتادن جنبش آنان است. کشتار  
وحشیانه ۱۷ شهریور نه تنها توده‌ها را مرعوب  
نساخت، بلکه به مبارزات آنها اوچتا زهای  
بخشید که سرانجام به قیام شکوهمند بهمن  
ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی آنها منجر  
شد. نظام ۱۷ شهریور علی‌رغم تلفات  
جانی فراوانش حاوی تجربیاتی گران برای  
توده‌های قهرمان ایران بود. تجربه ۱۷  
شهریور به توده‌ها آموخت ارتشی که بنا  
بر حفظ منافع سرمایه‌داران و زمینداران متکی  
است و اساس آن بر اطاعت کورکورانه  
سربازان از فرماندهان استوار است هرگز  
"پادشاه" مردم نیست، چنین ارتشی نه تنها  
هیچگاه در کنار کارگران و زحمتکشان قرار  
نخواهد گرفت، بلکه برای دفاع از منافع  
استثمارگران و استثمارگران و آریابان -  
امپریالیستین، مردم بی دفاع را بخاک  
و خون می‌کشد و خانه‌هایشان را بر سر آنان  
ویران می‌کند.

کشتار "جمعه سیاه" نشان داد که شعرا  
"ارتش برادران است که از جانب، هیران -  
خائن دیروز و زحاکمان فدائینقلابی امروز -  
ظرف میشد چقدر بی‌وج و عوام فریبانه بود. مردم  
در آن روز در پی فتند ارتشی که در برابر برکل  
گلوله بی‌دهد ارتشی نیست که از منافع  
زحمتکشان دفاع نماید و اقدامات مفردانه  
برخی از پرسنل انقلابی و مبارزان ارتش که  
با عدم اطاعت از فرماندهان خود از تیر -  
اندازی سوی مردم خودداری ورزیدند نمی  
تواند در ما هیت آن تغییری ایجاد کند.

حوادث بعد از ۱۷ شهریور گواها آنست  
که طرح‌شمار "ارتش برادران است" تنها و تنها  
بمنظور جلوگیری از اضلال ارتش ضد  
خلقی و بد خدمت گرفته شدن مجدد آن برای -

# پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

# کمکهای مالی دریافت شده

# نقش و اهمیت اعتصابات...

بقیه از صفحه ۳

توده کارگران نه به طور مصنوعی، بلکه در رویدادهای پویای واقعی حرکت در آمده و به یک اقدام تاریخی دست خوا هفتد در یک دوران انقلابی تبدیل سریع اشکال مختلف مبارزه بیگدگرو ارتقاء اشکال مبارزه به اشکال عالیتر است. البته ممکن است ولی امکان اینکه توده کارگران از یک سکون موقتی، ناگهان بیک قیام سرا روی روی بیاورند غیر محتمل است. البته مسلم است که این به معنی دنباله روی از حرکتهای خود بخودی نیست. با بسط وضعیت مجموعه جنبش را در نظر گرفت، امکان تحول اشکال مبارزه و ارتقاء آنها به اشکال عالیتر در نظر گرفت و در این جهت گام برداشت و برای آن تدابیر را دید. بررسی وضعیت جنبش طبقه کارگران میباید که زمینه عینی برای اعتراضات و اعتصابات مناسب است و میتوان کارگران را در این جهت بحرکت درآورد. اعتصابات اقتصادی و سیاسی زمینه مناسبی است که میتواند کارگران را به عرصه مبارزه بیکشاند و کاتال مناسی است برای فعال کردن کارگران در محله مبارزات کنونی.

سرکوب شدن و ترور و اختناق حاکم بطور موقت سکون و رکود در مبارزات توده ای ایجاد کرده است. اما سرکوب قهرآمیز و خشن، قادر به جلوگیری از جریان یا فتن مبارزات توده ای نخواهد شد. مبارزات توده ای به این یا آن شکل جریان خواهد یافت. تنها باید کاتالهای مناسب برای حرکتهای توده ای پیدا نمود. در شرایط کنونی اعتصابات کارگری یکی از اشکال و کاتالهای مهم بحرکت درآوردن توده کارگران است. این اشکال از مبارزه بسرعت میتواند در کارخانجات و کارگاههای مختلف گسترش یابد و بخصوص اگر موقعیت درست انتخاب شود و از زماندهی لازم برخوردار باشد، کمترین ضربات را در پی خواهد داشت و رژیم قادر به سرکوبی کامل این مبارزات نخواهد بود.

اعتصاب در مراکز مهم کارگری پر شده های مهم اقتصادی نظیر صنعت نفت، برق (توانیر)، خطوط مواصلاتی نظیر راه آهن و غیره، ارتباطات، صنایع سنگین (دوب آهن، صنایع نظامی و...) نه تنها رژیم را از لحاظ اقتصادی با بحران سختی مواجه خواهد ساخت، بلکه همچنین تا شریات سیاسی عظیمی در اعتلا جنبش کارگری و جنبش عمومی توده ای خواهد گذاشت. تا پیش از اعتصاب کارگران صنعت نفت پیش از قیام که حتی اشکال وسیع جنبش یافت نموده روشنی است از انبساط عظیم حرکت کارگران در اعتلا جنبش توده ای.

سازماندهی اعتصابات کارگری از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. تشکیل کمیته های مخفی اعتصاب از کارگران با تجربه و مورد اعتماد، ایجاد صندوق اعتصاب برای کمک به خانواده اعتصابیون، بخش وسیع اخبار و اعتصابات و اعتراضات کارگران در شکل جامعه و در مبارزات کارخانه ها و کارگاهها و مراکز کارگری برای جلب پشتیبانی از اعتصاب و اعتلا روحیه کارگران و دانستن زدن به شورش انقلابی توده ها از وظایف بسیار مهم است که باید بدو توجه فوری به آن متذول گردد. تنها کما نیکه به مبارزه طبقاتی بیرونی و نیروی عظیم ناامان ندارند، ممکن است به این وظیفه سرزمینی توجهی ننموده و سراخرده کاری بسازند.

رفقا! ایمان داشته باشید که نیروی عظیم دوران ساز طبقه کارگر نیروی محرکه اصلی جنبش توده ای است. و توان خود را در جهت گسترش مبارزات اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر، سازماندهی و ارتقاء جنبش کارگری بکار گیریم.

ردیف	نام	مبلغ	ردیف	نام	مبلغ	ردیف	نام	مبلغ	ردیف	نام	مبلغ
۱	...	...	۱۱۶۲	...	...	۱	...	...	۱	...	...
۲	...	...	۲۱۵	...	...	۲	...	...	۲	...	...
۳	...	...	۲۸۸۸	...	...	۳	...	...	۳	...	...
۴	...	...	۲۱۲۲	...	...	۴	...	...	۴	...	...
۵	...	...	۲۵۰	...	...	۵	...	...	۵	...	...
۶	...	...	۲۰۰۰	...	...	۶	...	...	۶	...	...
۷	...	...	۲۱۱۲	...	...	۷	...	...	۷	...	...
۸	...	...	۲۰۰۰	...	...	۸	...	...	۸	...	...
۹	...	...	۲۰۰۰	...	...	۹	...	...	۹	...	...
۱۰	...	...	۲۰۰۰	...	...	۱۰	...	...	۱۰	...	...
۱۱	...	...	۲۰۰۰	...	...	۱۱	...	...	۱۱	...	...
۱۲	...	...	۲۰۰۰	...	...	۱۲	...	...	۱۲	...	...
۱۳	...	...	۲۰۰۰	...	...	۱۳	...	...	۱۳	...	...
۱۴	...	...	۲۰۰۰	...	...	۱۴	...	...	۱۴	...	...
۱۵	...	...	۲۰۰۰	...	...	۱۵	...	...	۱۵	...	...
۱۶	...	...	۲۰۰۰	...	...	۱۶	...	...	۱۶	...	...
۱۷	...	...	۲۰۰۰	...	...	۱۷	...	...	۱۷	...	...
۱۸	...	...	۲۰۰۰	...	...	۱۸	...	...	۱۸	...	...
۱۹	...	...	۲۰۰۰	...	...	۱۹	...	...	۱۹	...	...
۲۰	...	...	۲۰۰۰	...	...	۲۰	...	...	۲۰	...	...
۲۱	...	...	۲۰۰۰	...	...	۲۱	...	...	۲۱	...	...
۲۲	...	...	۲۰۰۰	...	...	۲۲	...	...	۲۲	...	...
۲۳	...	...	۲۰۰۰	...	...	۲۳	...	...	۲۳	...	...
۲۴	...	...	۲۰۰۰	...	...	۲۴	...	...	۲۴	...	...
۲۵	...	...	۲۰۰۰	...	...	۲۵	...	...	۲۵	...	...
۲۶	...	...	۲۰۰۰	...	...	۲۶	...	...	۲۶	...	...
۲۷	...	...	۲۰۰۰	...	...	۲۷	...	...	۲۷	...	...
۲۸	...	...	۲۰۰۰	...	...	۲۸	...	...	۲۸	...	...
۲۹	...	...	۲۰۰۰	...	...	۲۹	...	...	۲۹	...	...
۳۰	...	...	۲۰۰۰	...	...	۳۰	...	...	۳۰	...	...
۳۱	...	...	۲۰۰۰	...	...	۳۱	...	...	۳۱	...	...
۳۲	...	...	۲۰۰۰	...	...	۳۲	...	...	۳۲	...	...
۳۳	...	...	۲۰۰۰	...	...	۳۳	...	...	۳۳	...	...
۳۴	...	...	۲۰۰۰	...	...	۳۴	...	...	۳۴	...	...
۳۵	...	...	۲۰۰۰	...	...	۳۵	...	...	۳۵	...	...
۳۶	...	...	۲۰۰۰	...	...	۳۶	...	...	۳۶	...	...
۳۷	...	...	۲۰۰۰	...	...	۳۷	...	...	۳۷	...	...
۳۸	...	...	۲۰۰۰	...	...	۳۸	...	...	۳۸	...	...
۳۹	...	...	۲۰۰۰	...	...	۳۹	...	...	۳۹	...	...
۴۰	...	...	۲۰۰۰	...	...	۴۰	...	...	۴۰	...	...
۴۱	...	...	۲۰۰۰	...	...	۴۱	...	...	۴۱	...	...
۴۲	...	...	۲۰۰۰	...	...	۴۲	...	...	۴۲	...	...
۴۳	...	...	۲۰۰۰	...	...	۴۳	...	...	۴۳	...	...
۴۴	...	...	۲۰۰۰	...	...	۴۴	...	...	۴۴	...	...
۴۵	...	...	۲۰۰۰	...	...	۴۵	...	...	۴۵	...	...
۴۶	...	...	۲۰۰۰	...	...	۴۶	...	...	۴۶	...	...
۴۷	...	...	۲۰۰۰	...	...	۴۷	...	...	۴۷	...	...
۴۸	...	...	۲۰۰۰	...	...	۴۸	...	...	۴۸	...	...
۴۹	...	...	۲۰۰۰	...	...	۴۹	...	...	۴۹	...	...
۵۰	...	...	۲۰۰۰	...	...	۵۰	...	...	۵۰	...	...

### شهرداری بروجرد

پنجاه و هفتم

# فرزند خلف نیکی پی

تعمیل کند! | بهر صورت دز و دغا جرای این  
"قانون" نیز اقتضای روسی می آید زحمتکشان  
شهری چهره فدرمی رژیم جمهوری اسلی  
را بیش از پیش خواهد شناخت .

## قانون عوارض ضد مردمی

از دیگرنا هکارهای نیک روش وعده های  
به مستمعین جهت اخذ هر چه وسیعتر  
وقاطعتر مالیات وعوارض از آنان ، کوی  
نیک روش با این عمل خود با یوزخندی  
چندش آور میگوید: باید در آرای سرکوب  
اعمال شده پول پرداخت ، کارگران و  
زحمتکشان باید در آرای خراب شدن خانه  
- هایشان ، در آرای نابودی دکه هایشان  
در آرای قطع مداوم برق در جنوب شهر ،  
در آرای نبودن آب لوله کشی ، در آرای -  
جویهای پرا زلجن کوجه های خاکسی و  
خانه های ویران باید عوارض بپردازند ،  
توگویی شهرداری آرای سرکوبها و  
سیاستهای ضد خلقی باج میگردد و  
کارگران و زحمتکشان - که با عت زشتی  
چهره شهر گشته اند - باید هزینه برگزاری  
سال "قانون" سرما به را بپردازند .  
شهرداری شهرداری شهران در زیر  
برجم سال "قانون" وظایف ضد خلقی خود  
را در جلوه ای قانونی به پیش میبرد اما  
توده ها دیگر به قانون سرما به ، به قانون  
کشتا روسرکوب تمکین نخواهند کرد . -

استثما روحشانه و شکم گرسنه سر به بالین  
نهادن بدست آمده است با تخریب خانه -  
هایشان ، با گوشت و پوست خود ما هیت ضد  
خلقی این رژیم ادرک میکنند ، در میابند  
که انقلابی که برای نابود کردن نیک پی  
- ها و ماده ۱۰۰ ها و تمامی قوانین ضد  
خلقی برپا داشته هنوز به شمر نرسیده -  
است . و قوانینی که در سال "قانون"  
اعمال میشود همان قوانین شاهانه  
است که اینک پوشی اسلامی بر خود دارد .

## قانون سرکوب و کشتار دکه داران

شهرداری تهران تا دوام و تشدید سرکوب  
و کشتار دکه داران و تخریب دکه ها را نیز  
در زمره قوانینی محسوب میدارد که در  
سال قانون موظف به اجرای آنست -  
شهرداری تهران به "فرا دیکه در معابر  
عمومی ساط فروش اجناس مختلف  
گسترده و با در زمین های داخل شرف اقدام  
به فروش اجناس ممالح ساختمانی و  
منبع های گازوشیل مشغول بوده و بسا  
تعمیرگاه ها ایجاد کرده اند اخطار کرد که هر  
چیز و در معابر آزاد زمین های داخل  
شهر برای ایجاد فضای سبز و پارک  
کودک تخلیه کنند " شهرداری به بساطی ها  
هشدار میدهد که "کسب در محلی که معبر  
عمومی است صورت شرعی ندارد . . . و به

در شرایطی که هر روز جنایات رژیم  
اسعادی تازه می آید ، کشتارها و اعدا مها  
و قیحا نه ادا شده دارد ، خانه گردیها و  
جاسوسی ها تبلیغ و تشویق میشود ، در  
شرایطی که رژیم افتخار خود را در گذشتن  
از مرز جنایات دیکتا توریترین سلاطین  
قرن میباید ، شایسته یی به بر شمر دن -  
جنایاتی که به نام قانون و در سال قانون  
شکل میگیرد دنیا شد ، زیرا شرایط بمورثی  
است که حتی حزب الله نیز جهت برقراری  
قانون به ترور و کشتار روسرکوب میرود ،  
اما نکته قابل توجه اینست که چگونه  
تا توانی در "سال قانون" مورد استناد  
دولت مردان قرار دارد ، شهرداری تهران  
نیک روش ، از جمله دولت مردانی است که  
اعمال ضد خلقی خود را در زیر پرچم "سال  
قانون" انجام میدهد ، نیک روش میگوید :  
"سی می کنیم انشاء الله در امسال که  
سال اجرای قانون هستیم ، قوانین را  
اجرا کنیم . . . " بهرحال ما قانون را  
اجرا می کنیم " (مباحثه رادیو تلویزیونی  
و مطبوعاتی شهرداری تهران - جمهوری -  
اسلامی ۲۹ مرداد ۶۰) و آنگاه پس از این  
تاکیدات قوانین مورد نظر خود را - که  
بهرحال باید اجرا گردد - بر می شمارد :

## قانون تخریب

از جمله قوانینی که در سربوجه بر ما می  
شهرداری تهران قرار دارد "ماده ۱۰۰" و  
همچنین قانون تخریب مساکن زحمتکشان  
"در خارج از محدوده" است . نیک روش -  
بدینگونه از این وظایف خود را میکند  
"ساختمانهای بدون جواز مورد شنا سانی  
قرار گرفته و تحویل کمیسیون ماده ۱۰۰ -  
میشود پس از صدور حکم از طرف کمیسیون  
ماده ۱۰۰ با قاطعیت اجرا میشود" و "ما  
سعی کردیم در خارج از محدوده جلوی ساختمان  
سازیه را بگیریم و اینکار تا حدودی ، البته  
نه صدور اجرا شده است ، و از شروع این  
نوع ساختمانها جلوگیری می کنیم و اگر  
لازم باشد دست به تخریب آنها میزنیم ."  
توده های زحمتکش که از این نوع -  
"قانون"های نیک معدم و را بخوبی بیاد  
دارند ، کارگران که با آنها تمامی هستی  
شان بر اثر قاطعیت شهرداری ضد خلقی  
تهران ، با حمایت سید ریخ ارگانهای  
سرکوبی چون سپاه پاسداران زیر سر  
سولدوزها رفته است ، بخوبی معنای  
این قاطعیت را درک میکنند . هر چند  
نیک روش جهت توجیه سیاستهای ضد مردمی  
خود میگوید "ما این کار را از شمال شهر  
شروع کردیم" اما دیگر این فریبها  
هر چند که بقول شهرداری چند فروشکساره  
اتومبیل را هم در برگیرد ، کار ساز نیست .  
زحمتکشان میدانند که استثنائا "در این  
مورد منظور شهرداری از شمال شهر همان  
شمس آباد و خاک سفید و غیره است .  
کارگران و زحمتکشان می که هر آجس  
آلونکی که میسازند بهای حذف لقمه  
سانی از غذای فرزندان شان بدست آمده ،  
هر کسبه سیمان آن جای کفش و لباس -  
زمستانی را گرفته ، و هر قطعه آهن آن به  
بهای ساعتها عرق ریختن ، جان کندن ،

## مساکن زحمتکشان

توده ها که در تجارت عملی خود دریا فته -  
اند قانون جمهوری اسلامی ، بهر فقیر  
خانه خرابی ، گرسنگی ، گران بیوکاری به  
بار نمی آید . آنها که دریا فته اند قانون  
جمهوری اسلامی بر سر نیزه کشتار ، اعدام  
شور و اختناق استوار است دیگر "قانون"  
رژیم ضد خلقی را به سخن میگیرند . -  
توده ها میروند تا قانون خود را برپا  
سازند ، ثوراهای خود را شکل دهند و  
حکومت جمهوری اسلامی را سرنگ  
سازند .



حزب جمهوری اسلامی و حبسی ختمکن از توده ها  
خلقهای تهران ایران!  
توده های تهران و سایر شهرهای ایران را از دست بردارند و بهر چه در دستشان است  
چون دستها و پاهای خود را بر سر توده ها  
مردم ایران را از دستشان!  
انگیزه های توده های جمهوری اسلامی را با هم همکاری شما باشد . در کتب و جری و نشر  
است . در همه روزه نشرها و کتابهای اسلامی و سنی را با خودتان و به همسایگان  
و اقارب های آنان در روزهای تعطیل سرکوبی بپردازید .  
مطالعه خود را در روزهای تعطیل بپردازید .  
۱۳۶۰

این بهانه ضد توده تخریب دهها را  
دارد . (از این مسئله میگذریم که با این  
استدلال با زارها و بسا زارچه های شهرها  
که تنها ما "نطفه در معابر عمومی بسته اند  
شما" غیر شرعی اند اما شاید خمس و  
زکات "با زاربان موجبات شرعی آنرا  
فراهم میسازد .)  
بیش از ۴ میلیون بیکار ، که از فشار -  
گرسنگی ، فقر و فلاکت و نداشتن مسکن  
به مشاغل موقتی چون دکه داری ، فروش  
اجناس در کنار خیابان ، تعمیرگاه  
بیابانی و . . . روی آورده اند ، به رغم  
آقای شهرداری و قوانین شاهانه اش -  
موجبات زشتی چهره شهر را فراهم  
آورده اند - نیک بی هم معتقد بود ، -  
گدایان ، بساطی ها و دکه داران چهره  
شهر را زشت میکنند و آبروی را بپهلوی  
خارجی ها میبرند ، از اینرو سعی داشت  
جای آنها را با آپارتمانهای لوکس  
و ماشینهای آخرین سیستم آمریکایی  
پر کند ، و نیک روش نیز که بد رستی جای  
نیک بی را بر کرده است معتقد است "وظیفه  
شهرداری ایجاد کار نیست" اما میتواند  
با قاطعیت دکه ها را تخریب کند و از این  
طریق بیکاران را بیش از پیش بسوی -  
فقر و بزرگ تدریجی سوق دهد .  
بهرورد این زمینه نیز قوانین  
شهرداری "در سال قانون" یا بولدوزرو  
به یاری حزب الله و سپاه پاسداران به  
اجرا در می آید تا مگر زمینهای "اشغال  
شده" از سوی زحمتکشان برای تهیه  
پارک تخلیه گردد زیرا "شهرداری تهران  
برای پارک سازی اولویت خاص در نظر  
گرفته است (بمنظر میرسد) اینکار برای  
اینست که اداره مبارزه با منکرات بیکار  
نگردد و بتواند با رگهای بیشتری را -

# حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست



# فرم‌های تغییرات اساسی؟



انگیزه و جهت‌گیری  
مکتب‌داری و ایدئولوژی  
سویوشیسم  
پیشانی  
پیشانی

سال اول شماره ۲ - ۳ شهریور ۱۳۶۰ - شماره ۲

## خروش

پیشانی

مکتب‌داری و ایدئولوژی

**■ بیضا**

با رد یگرو دست جنا پتکا روزیم جمهوری اسلامی در پیکی ازدهات اطرف بیضا بنام "کشینیا ن" بخون زحمتکشی آلوده شد . جریان بدین قرار بوده است که کوسفندان دو چوپان ترک از طایفه "دمیرچما قلیو" بمنزعه بونه چند روستا شی خسا را تسی وارد میا ورتند که منجر بدرگیری لفظی بین چوپانان و صاحبان آن مزرعه میگردد . پاسداران سرمایه در بیان درگیری شرکت کرده و برای اختتام آن یکی از چوپانان زحمتکش را هدف تیر خود قرار داده و بسه شهادت میرسانند و نفر دوم را دستگیر کرده با خود میبرند . گفته میشود که افراد طایفه "دمیرچما قلیو" تصمیم دارند تا پاسدار مزبور را که عامل جنایت بوده و بسدون هیچگونه مجازاتی آزاد میگردد خودشان به مجازات برسانند .

**■ در اواسط مرداد ماه دو نفر را بجزرم** اینک فصد حمله به ماشین سپاه پاسداران را داشته اند دستگیر و تحت شکنجه قرار میدهند که در اثر شکنجه حال یکی از آنها بنام "نا سراد" بسیار وخیم میشود بطوریکه مجبور به انتقال به بیمارستان شهر میشوند ولی معالجات موثر واقع نشده و امله تمام قسمت‌های حساس بدنش مجروح بوده و سابق پایش را با چوب مفروضه و بسیمه - هایش را تحت فشار زیاد قرار داده - بودند . زخمهای کمرش حکایت از ضربات کابل داشته است .

**■ مزدوران رژیم برای پرده پوشی بر عمل** جنا پتکا را نه تنها در سمن بران داشتند که پزشک قانونی را وادار نما یند علت مرگ را خودکشی توسط سپاه نورا اعلام کنند ، ولی پزشک به این عمل تن نمی دهد ، سرانجام جسد بدون گواهی پزشک قانونی خود بگورستان برده و دفن میکنند .

**■ کارزورن**

"مجدکشتی" مجاهدان انقلابی حدود سه ماه پیش در کارزورن در یک درگیری دستگیر شده و به چهار ماه زندان محکوم گشت ، سپس به زندان "ظالم با دشیراز" منتقل میشود و بعد از این مدت بدنبال تور - آخوندی بنام ادا نشود کارزورن بلافاصله به آن شهر منتقل شده و بعد از دو روز بطور ظالمانه و فجیمی که بیش از هر چیز ناشه ترس و وحشت رژیم بدخلقی از مبارزات بوده هاست تیرباران میشود .

**■ جلدان و مزدوران رژیم جمهوری** اسلامی در حالی که دست مجاهدکشتی را از پشت بسته بودند در موقع تیرباران موهای خواهرش را جیده و بصورت مجید پرتاب می کنند و ما درش را بزور وادار - می کنند تا شهادت ادا میسرش باشد . تیر - اندازی ابتدا بطرف یاهای مجید بود و سپس بطرف پاتنه او و سرانجام با شلیک ۲۲ تیر که نشانه ۲۲ سالگی اوست بسه شهادت میرسد .

شنگ و نفرت بر حکومت جلدان خلصت

بدون برابری کامل زمان و مردان ، بدون تضمین حق آزادی بیان ، آزادی مطبوعات ، آزادی فعالیت سیاسی ، آزادی تشکل و سازمان نیایی ، آزادی تشکیل سندیکا و شورا ، حق اعتماد - نظارات و ... بدون تضمین و تامین شرکت آزادانه توده ها در تعیین سرنوشت خود و ... رسیدن به استقلال واقعی و رهائی کامل از سلطه امپریالیسم و پناهی جامعه ای واقعا "آزاد و مو" اتیک غیر ممکنست .

کمونیستها ، ما را دارند اهداف خود را پوشیده دارند . و اهداف خود را مریحاً بیان می دارند و تا پای جان دلاورانه در جهت تحقق خواسته های انقلابی شان برای رهائی همه ستمگشان از قید هرگونه استعمار و ستم به نبرد می ایستادند - میخیزند .

**در شاه تکان** ما جامعه بشری راهی بجز بیسروی بسوی سوسیالیسم و کمونیسم نیست و تمامی جوامع دیرپا زود این مسیر را خواهند پیمود هر چند این راه پر پیچ و خم باشد . و هم اکنون نیز بخش وسیعی از جامعه بشری در این راه گام بر میدارد .

ما در همان حال که مبارزه بی وقفه و خستگی نا پذیر خود را در جهت تحقق سوسیالیسم ادامه می دهیم اعتقاد داریم در مرحله کنونی تکان کامل جامعه ایران بدون پیروزی انقلاب دمکراتیک و بدون بی پایان رساندن تحول انقلابی - دمکراتیک گذار به سوسیالیسم امکان ناپذیر است و در این مرحله از تکان کامل جامعه برای تحقق برناممه حداقل پرولتاریا که همانا به پیروزی رساندن انقلاب دمکراتیک و تحقق خواسته های انقلابی - دمکراتیک کارگران ، دهقانان و همه زحمتکشان ایران است ، بیگیرانه مبارزه خواهیم کرد . و در این راه از بذل هرگونه فداکاری و جان بازی و تلاش خستگی ناپذیر دریغ نخواهیم کرد . -

همانگونه که تاکنون نگرديم . ما در این نوشته با نشان دادن ماهیت بورژوا - فرمیستی میثاق بنی صدر با اختصار اهداف برناممه ای خود را در این مرحله از تکان کامل جامعه ما ، نبرای تحقق خواسته های انقلابی - دمکراتیک - ها و پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک بیان داشتیم . و در آینده ای نزدیک بالاتر فرم تا کتیکی خود را که بنیادگستر خواسته های فوری و حداقل لازم برای اتحاد نیروها و پیشبرد ما را انقلاب بوده و با توجه به وضعیت عینی جامعه - سطح رشد جنبش و تناسب عینی نیروهای طبقاتی تنظیم شده است ، بدنبال مشورت - های کافی با سایر نیروهای انقلابی و مشرفی موجود در جامعه اعلام خواهیم کرد . امید ما اینست که بتوانیم با رسیده به توافق با سایر نیروها وحدت رزمنده ای را حول یک بالاتر فرم تا کتیکی بوجود آوریم . ما بسهم خود در این راه از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد .

با ایمان به پیروزی انقلاب با ایمان به رهائی کارگران و تمامی زحمتکشان

بقیه از صفحه ۵

بنی صدر را مورد نقد و بررسی قرار دهیم مثنوی هفتاد من کا غذ شود . بنا بر این یکبار دیگر آنچه را که گفته شد جمع بندی می کنیم :

ما نشان دادیم که میثاق بنی صدر تنها خواستار اصلاحاتی در رژیم جمهوری اسلامی با حفظ چهار رچوب اصلی آنست . فرمهای بورژواژیک بنی صدر پیشنهاد میکند بهیچوجه با سخگوی خواسته های انقلابی - دمکراتیک کارگران ، دهقانان و زحمتکشان ایران نیست . هر چند بنی صدر بغا طرا شتلاف با مجاهدین برخی خواسته های دمکراتیک مردم را در میثاق گنجا نده است که البته در سوار زبانی به این خواسته ها بشکلی مبهم و گنگ اشاره شده ، اما این مواضع در میثاق جای مهمی را اشغال نمی کند . و در مقایسه با یک برناممه اصلاحات بورژوا - دمکراتیک نیز بسیار محدود و ناپیگیر است ، یعنی مضمون میثاق فاقد خصلت بورژوا - دمکراتیک می باشد .

در میثاق بنی صدر به قطع وابستگی به امپریالیسم بطور مشخص برخوردار نشده صف دوستان و دشمنان خلق در صحنه بین المللی مخدوش شده است . در این میثاق نه تنها امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلقهای جهان شناخته نشده بلکه حتی به امپریالیسم اشاره ای هم نشده است و در عوض دوستان خلقهای ایران یعنی اردوگاه سوسیالیستی درگنگار و همردیف امپریالیسم قرار گرفته است و این ناقص سیاست ملی در عرصه بین المللی است .

در این میثاق ، آزادیها در حد خیلی محدودی حتی محدود تر از آزادی های کامل بورژواژی است . حق خلقهای تحت ستم ایران در تعیین سرنوشت خود بهیچ وجه و حق توده های مردم در تعیین شکل حکومتی مورد خواست شان زیر پا نهاده شده به حقوق دمکراتیک مسلم کارگران ، دهقانان ، جوانان و همه زحمتکشان ایران اصلاح اشاره نشده ، آزادی واقعی زنان در برابری کامل آن با مردان حذف شده و ... و در یک کلام ملاحضات بورژوا - فرمیستی در چارچوب بسیار تنگ و محدودی پیشنهاد شده است .

مسلم است که فرمهای پیشنهادی - بنی صدر نه تنها در است جامعه ما را بیک جامعه مستقل ، آزاد و دمکراتیک تبدیل کند و نتواند بنده خواسته های واقعی زحمتکشان ایران را به عمل بیاورد . بنی صدر درگونی بنیادی در نظام کمونیستی و قطع کامل وابستگی به امپریالیسم از طریق سلب مالکیت از بورژوازی - وابسته ، زمینداران بزرگ و لغو همه قراردادهای با رتبار با امپریالیستها بدون تحقق خواسته های واقعی کارگران ، بدون تحقق خواسته های دمکراتیک خلقهای تحت ستم ایران و برهم زدن شناختن حق تعیین سرنوشت آنها ، بدون انجام اصلاحات ارضی واقعا "دمکراتیک